

## چکیده

ملاحظات قانونی و اخلاقی همواره از موارد مورد بحث در تاریخ شفاهی است، و قوانینی را برای مراحل مختلف پروژه‌های تاریخ شفاهی و اصول اخلاقی مشخص می‌کند با این هدف که استانداردهای بالاتری را در اختیار مورخ قرار دهد تا بتواند نتیجه بهتری از روابط موجود در بستر گسترده یک مصاحبه یا پروژه به دست آورد. بنابراین در این مقاله ملاحظات قانونی و اخلاقی در چارچوب کلی تاریخی مورد بحث قرار خواهد گرفت. سه مرحله را در سیر تکاملی تاریخ شفاهی مورد بحث قرار خواهیم داد: ریشه‌های تاریخ شفاهی به عنوان یک کار آرشیوی، گستردگی و همه‌گیر بودن آن به عنوان ابزاری برای ارائه گزارشات تاریخی و انجام پژوهش‌های تاریخی برای همگان، و بلوغ و تکامل آن به عنوان یک عمل اجتماعی و روشنفکرانه. این مراحل در نیم قرن گذشته به صورت موفقیت‌آمیزی اتفاق افتاده است، و هر یک از این مراحل از نظر زمانی و مفهومی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. بحث درباره اولین مرحله تنها درباره مسائل قانونی است، زیرا قوانین در رابطه تنگاتنگ با ریشه‌های آرشیوی تاریخ شفاهی هستند، در دومین و سومین مرحله بحث به حوزه اصول اخلاقی خواهیم پرداخت.<sup>۱</sup>

## کلیدواژه‌ها

تاریخ شفاهی؛ قانون و اخلاق؛ مراحل تکامل؛ گزارشات تاریخی

1. Gluck, "First Generation," 1-9,

# ملاحظات قانونی و اخلاقی در تاریخ شفاهی<sup>۱</sup>

## لیندا شاپس

ترجمه: فرحناز اسماعیل‌زاده<sup>۲</sup>

مورخان شفاهی‌کار که در کشورهای مختلف زندگی می‌کنند و دارای ملیت‌های متفاوت هستند، بر اساس ضوابط حقوقی و شرایط تاریخی کشورهای خود، قوانین و اصولی را برای کار خود وضع می‌کنند. در ایالات متحده، سند دولتی در این حوزه «رهنمودهای ارزیابی تاریخ شفاهی» است، که ابتدا توسط «انجمن تاریخ شفاهی»<sup>۳</sup> در سال ۱۹۶۸ تحت‌عنوان «اهداف و رهنمودها» منتشر شد سپس در سال ۱۹۷۹ به نام «ارزیابی رهنمودها» منتشر شد و در سال ۱۹۸۹ مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفت و دوباره در سال ۲۰۰۰ برای اینکه موضوعات جدید را دربر بگیرد، مورد تجدید نظر قرار گرفت.<sup>۴</sup> رهنمودها و دستورالعمل‌های «انجمن تاریخ شفاهی»، همراه با دستورالعمل‌های انجمن‌های دیگر اصول قانونی و اخلاقی را ایجاد کرد که حقوق و مسئولیت‌های بین مصاحبه‌کنندگان و راویان، بین مصاحبه‌کنندگان با افراد دیگر از حرفه‌ها و رشته‌های مختلف، عموم مردم، سازمان‌های حامی، مصاحبه‌شوندگان، مصاحبه‌کنندگان، متخصصان، و عموم مردم، را مشخص می‌کرد. چالش برای مورخان تاریخ شفاهی زمانی آغاز شد که مسئولیت آن‌ها در برابر یک طرف با مسئولیت‌شان در برابر طرف دیگر با یکدیگر برخورد داشت، و به دنبال آن رعایت ملاحظات اخلاقی برای دو طرف در دوجبهت مخالف بود. من در این مقاله به برخی از این اختلافات اشاره خواهم کرد.

درحالی‌که دستورالعمل‌های ارزیابی، معیاری برای قوانین و اصول اخلاقی در امریکا است و بخش زیادی از این مقاله را دربر می‌گیرد، این دستورالعمل‌ها یک سند تاریخی است، که بر اساس فرهنگ و قوانین ایالات متحده در مورد حقوق و دارایی‌های افراد و استانداردهای حرفه‌ای تدوین شده است. با توجه به این، «آلساندرو پورتلی»<sup>۵</sup> چنین نوشته است: در واقع رهنمودهای اخلاقی و قانونی تنها هنگامی دارای مفهوم واقعی هستند که تجلی حس عمیق و تعهد نسبت به درستکاری

1. Handbook of oral history / edited by Thomas L. Charlton, Lois E. Mayers, and Rebeca Sharpless, ALTAMIRA PRESS 2006.

۲. کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی،

پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

3. OHA

۴. «دستورالعمل‌های ارزیابی» انجمن

تاریخ شفاهی.



و صداقت باشند. تنها اتکا به دستورالعمل‌ها سبب جلوگیری از تحریف و اعمال نفوذ نمی‌شود. معمولاً تعداد رهنمودهای اخلاقی، برای حمایت از مصاحبه‌شونده از تحریف مصاحبه‌کننده کمتر از رهنمودهایی است که در حمایت از مصاحبه‌کننده از ادعاهای مصاحبه‌شونده می‌شود.<sup>۱</sup> به‌خاطر داشته باشید که مسائل حقوقی و به‌خصوص مسائل اخلاقی، اساس دآوری هستند. سرپیچی و تخلف از ملاحظات قانونی می‌تواند عواقب جدی برای پژوهشگران و سازمان‌های حامی پروژه‌ها داشته باشد. انحراف از ملاحظات اخلاقی نه تنها به روایان زبان می‌رساند و باری را بر پژوهشگر تحمیل می‌نماید، بلکه می‌تواند کار دیگران را بی‌اعتبار کند. با این حال به‌نظر من هر یک از مورخان شفاهی کار بایستی با توجه به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند از شیوه قابل‌قبول آن جامعه تبعیت کرده و مسئولیت کار خود را بپذیرند.

### قانون، اخلاق و تاریخ شفاهی به عنوان یک عمل آرشیوی

ریشه تاریخ شفاهی در امریکا به دهه ۱۹۴۰ و کار «آلن نوینس» در دانشگاه کلمبیا باز می‌گردد. گرچه پیش از این هم تلاش‌های زیادی برای ثبت گزارشات دست اول از وقایع گذشته انجام شده بود، و بیشتر آن‌ها تاریخ زندگی‌هایی بود که توسط پروژه «بحران بزرگ»<sup>۲</sup> - پروژه تاریخ فدرال - جمع‌آوری شده بود، «نوینس»، برای اولین بار با کاری سیستماتیک و با ضبط گفته‌های روایان بر روی نوار کاست از آن‌ها محافظت کرده و آن‌ها را برای پژوهش‌های آینده بر اساس اهمیت تاریخی آن‌ها قابل‌دسترس ساخت.<sup>۳</sup> دو موضوع اخلاقی مهم در تاریخ شفاهی به‌عنوان یک کار آرشیوی این است: کسب رضایت آگاهانه راوی برای مصاحبه و تأمین امنیت برای انتشار قانونی نوار مصاحبه و نسخه چاپی آن. در مورد اول هدف ایجاد یک سند دقیق برای ثبت دائمی است و مورد دوم مربوط به حق کپی‌رایت و در دسترس قراردادن مصاحبه‌ها برای کاربران است.<sup>۴</sup> اگرچه، مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، با تعریفی که از آن‌ها شد، با این هدف جمع‌آوری می‌شوند که برای همیشه حفاظت و نگهداری شوند، اما در پروژه‌هایی که برای اهداف خاصی انجام می‌شود و موقتی است با توجه به اینکه ظرفیت سازمانی برای آرشیوکردن تمامی مصاحبه‌های آن‌ها وجود ندارد، پژوهشگران پس از استفاده از مصاحبه‌ها در کارشان از ذخیره‌کردن آن‌ها در آرشیوها چشم‌پوشی می‌کنند. بر اساس استانداردهای حرفه‌ای، این گونه مصاحبه‌ها هم بایستی در مخازن دائمی یا آرشیوها قرار بگیرند تا دیگران هم بتوانند به آن‌ها دسترسی یابند و دیگران بتوانند با استفاده از آن‌ها کار پربارتتری ارائه دهند.<sup>۵</sup>

1. Portelli, "Trying to Gather," 55-56.

2. Great Depression

۳. استار در کتاب «History Oral»

ریشه‌های دفتر پژوهش‌های تاریخ شفاهی کلمبیا را توضیح می‌دهد.

۴. نگاه کنید به:

Eustis, "Get It in Writing:"

Hamilton, "Law of Libed;"

Rommery, "Legal Considerations;" and Welch,

۵. در صفحه ۶ «دستورالعمل‌های ارزشیابی»

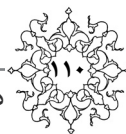
آمده است: مصاحبه‌کنندگان با Lawyer.

"مجوزی که از طرف مصاحبه‌کنندگان

می‌گیرند می‌توانند ترتیبی بدهند تا

مصاحبه‌ها در یک آرشیو ذخیره شوند و در

دسترس همگان قرار گیرند.

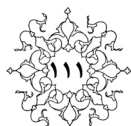


## توافق آگاهانه<sup>۱</sup>

با توجه به این که هدف اولیه تاریخ شفاهی ارتقاء اسناد تاریخی موجود است، مصاحبه‌کننده‌های خوب کسانی هستند که با راویان صحبت می‌کنند تا از آن طریق «با تاریخ صحبت کنند» و به این ترتیب سندی ایجاد می‌شود که ارزش حفظ کردن دارد، سندی که دقیق، گسترده و اندیشمندانه است و نه تنها برای کارهای پژوهشی و دانشگاهی بلکه برای درک جامعه از گذشته هم مفید و ارزشمند است. شیوه‌های زیادی برای انجام یک مصاحبه مطلوب و مورد قبول وجود دارد. در بخش دیگری از کتاب به این موضوع پرداخته شده است. به هر صورت مسئله اصلی احترام به فردی است که به دنبال ضبط داستانش هستیم. این احترام را می‌توان به شیوه‌های گوناگونی نشان داد. این کار بایستی بر اساس رضایت آگاهانه راوی انجام شود، که در آن، مصاحبه‌کننده تمام موارد لازم را به راوی می‌گوید تا بر اساس آن‌ها راوی برای شرکت در مصاحبه تصمیم بگیرد و به این همکاری ادامه دهد. بنابراین راویان باید از هدف، دیدگاه و ارزش مصاحبه، چگونگی پیشرفت آن و انتظاراتی که مصاحبه‌کننده از آن‌ها دارد آگاه باشند. لازم است مصاحبه‌شوندگان بدانند در آینده چه کسانی مصاحبه آن‌ها را می‌خوانند و این فرصت به آن‌ها داده شود که نسخه‌های مصاحبه خود را بعد از مصاحبه مطالعه و بازبینی کنند. البته اگر نسخه چاپی از کار تهیه شده باشد، مصاحبه‌شوندگان باید به جایی که نوارها و نسخه‌ها در آنجا نگهداری می‌شود، دسترسی داشته باشند همچنین راویان باید آگاه باشند که در پایان مصاحبه فرم حق کپی‌رایت از طرف مدیران پروژه برای امضا در اختیار آن‌ها قرار داده شود، این حق راویان است که مجوز استفاده از مطالب‌شان را به دیگران بدهند، و چگونگی استفاده از مصاحبه، تحت کنترل مصاحبه‌کننده و مجریان پروژه نیست. همچنین بهتر است از مسائل مالی و حق تألیفی که متعلق به راویان است، آگاه باشند. در پایان، مصاحبه‌شوندگان بایستی بدانند که می‌توانند از پاسخ به هر یک از سوالات امتناع ورزند و مصاحبه را در هر جا که لازم است قطع کنند بدون اینکه مشکلی برای آن‌ها ایجاد شود.

این مسائل و شرایط قبل از انجام هر مصاحبه بایستی مورد بررسی قرار گیرند. اگرچه در بسیاری از موارد این مسائل به آن‌ها به صورت شفاهی گفته می‌شود، ولی بهتر است به شکل یک توافقنامه تدوین شده و به زبانی نوشته شود که برای مصاحبه‌شونده قابل فهم باشد و به امضای مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده برسد. گرچه به نظر برخی توجه غیر ضروری و زیاده از حد به توافقنامه‌های مصاحبه و حقوق راوی قبل از مصاحبه می‌تواند اثر تنش‌زایی روی مصاحبه داشته باشد، ولی در واقع چنین نیست و انجام اینکار می‌تواند بسیاری از تنش‌ها را خنثی کند وقتی که رضایت آگاهانه راوی به‌عنوان یک اصل در نظر گرفته شود، می‌تواند ابزاری برای آموزش تاریخ شفاهی و اهداف آن به راوی بوده و با آشنا کردن راوی به موقعیت و نقشش در مصاحبه، سبب انجام مصاحبه بهتری شده، و در او انگیزه‌ای برای ایجاد یک سند ارزشمند تاریخی ایجاد کند. علاوه بر این، توافق آگاهانه، به محض امضای

1. Informed Consent



توافقنامه و روشن شدن ضبطصوت و شروع مصاحبه، تمام نمی‌شود. احترام بین راوی و مصاحبه‌گر با توجه به عوامل متعددی می‌تواند در طول زمان افزایش یافته یا کم شود این عوامل می‌تواند یکی از این موارد باشد: هنگامی که راویان داستانهایشان به روش خودشان روایت می‌کنند، وقتی موضوعات غیرمنتظره‌ای دنبال می‌شود، وقتی مصاحبه‌گر تسلیم محدودیت‌های راوی می‌شود یا در مقابل آن مقاومت می‌کند، وقتی در نتیجه یک گفتگوی بی‌پرده اعتماد متقابل زیاد می‌شود، یا در یک گفتگوی محتاطانه، بی‌اعتمادی ایجاد می‌شود، و پاسخ‌های سرسری داده می‌شود در این موارد توافق بین راوی و مصاحبه‌گر بارها مورد بازنگری قرار می‌گیرد.

وقتی راوی را مطمئن می‌کنم که در هر موضوعی که مطرح می‌شود مجبور به پاسخ‌گویی نیست - مثلاً یکی از «موضوعات عصبی‌کننده» صحبت درباره وضعیت مالی خانواده است - راوی در ادامه گفتگو این موضوعات را به صورت دقیق و با جزئیات بیان می‌کند. به نظر من، نکته در اینجا است که با انجام این کار به حق راوی در کنترل گفته‌هایش، احترام گذاشته، اعتماد او را جلب کرده و بنابراین اطلاعات را در دسترس همگان نگذاشته‌ام.

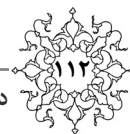
توجه به فرآیند توافق آگاهانه، سبب جلوگیری از هتک حرمت افراد بوده و برای افرادی کاربرد بیشتری دارد که مصاحبه‌ها را برای اهداف آشیوی انجام می‌دهند. «جان نیواینشاندر» که کتاب «تاریخ شفاهی و قانون»<sup>۱</sup> او بهترین و تنها راهنما در مورد مسائل حقوقی در تاریخ شفاهی است، هتک حرمت را این‌گونه تعریف می‌کند: «گفته نادرست و خلاف واقع که در مورد شخصی پخش یا چاپ شده و سبب آسیب‌رساندن به منافع شخص می‌شود». سپس می‌گوید که قانون پذیرفته‌شده این است که هر کسی که یک گفته تهمت‌آمیز را که توسط شخص دیگری گفته شده، تکرار و دوباره پخش می‌کند، به همان اندازه مسئول است»<sup>۲</sup>.

بنابراین هر مصاحبه‌ای که ضبط می‌شود، یعنی هر مصاحبه‌ای که برای استفاده دیگران در مخازن عمومی نگهداری می‌شود/ یا برای دیگران در هر رسانه‌ای بازتولید می‌شود، می‌تواند سبب هتک حرمت افراد شود. هتک حرمت، یک اتهام جدی است، همچنین چیزی است که نمی‌توان آن را به راحتی اثبات کرد. «نیواینشاندر» پنج عامل را برای هتک حرمت افراد، معرفی کرده است: مطلب گفته شده، بایستی خودش اشتباه باشد، باید کسی را که مدعی است مورد هتک حرمت قرار گرفته، مشخص کند، به شخص سومی گفته شده باشد، برای مثال، یک پژوهشگر به این مصاحبه‌اهانت‌آمیز گوش دهد، بایستی در آن به شهرت یک حزب، خدشه وارد شده باشد، و مرتکبین این کار، بایستی مسئولیت این خطا و آسیب و خدشه وارد شده را پذیرفته باشند، یعنی مسئول این ادعا باشند.

به این ترتیب برای تعریف «تهمت و افترا» محدودیت‌های بیشتری ایجاد می‌شود: بیشتر ایالت‌ها برای مطالب توهین‌آمیز و هتک حرمت قوانین محدودکننده‌ای برقرار کرده‌اند.<sup>۳</sup> دادگاه‌ها برای اثبات هتک حرمت افراد مشهور قوانینی گذاشته‌اند. بر اساس قوانین هر سخنی افترا یا

1. Oral History and the Law  
2. Neuenschwander, Oral History and the Law, 18

۳. همان منبع، ص ۱۹.



تهمت نیست بلکه می‌تواند، تنها عقاید افراد باشد، و «چیزی بیش از شایعه و حدس و گمان» نیست و بنابراین افترا یا تهمت نامیده نمی‌شود، گرچه مرز بین عقیده و حقیقت کاملاً روشن نیست.<sup>۱</sup> بالاخره آنچه بیشتر مورد توجه مورخان شفاهی است این است که طرفی که ادعا می‌کند، مورد تهمت قرار گرفته بایستی زنده باشد- به عبارت دیگر، نمی‌توان به فرد مرده، افترا زد. این محدودیت آخر، نشان می‌دهد که بهترین شیوه عمل برای یک مورخ شفاهی، این است که با راوی برای حذف آن قسمت از مصاحبه مشورت کند، مگر اینکه، شخص مورد بحث فوت شده باشد.<sup>۲</sup> علاوه بر این کار، «نیواینشاندر» پیشنهاد می‌کند، یا مواد و موضوعات مشکوک را از نوار صوتی و نسخه نوشتاری برداریم یا هویت شخص مشکوک را حذف کنیم. درحالی که هر دوی این کارها، منطقی به نظر می‌رسد، فرض دیگر این است که اظهارات مشکوک (ثابت نشده)، در حقیقت، اهانت‌آمیز هستند. اما براساس قضاوت چه کسی؟ شاید آن‌ها درست باشند. شاید راوی چیزهایی می‌داند که دیگران نمی‌دانند. بنابراین، یک روش منطقی می‌تواند این باشد که سعی کنیم، صحت و سقم گفته‌ها را با استفاده از منابع دیگر ثابت کنیم. اگر این گفته‌ها صحت داشته باشد، پس اهانت‌آمیز نیست.<sup>۳</sup>

نکته مهم‌تر در این بحث این است که استفاده از شیوه رضایت آگاهانه قبل از مصاحبه یا در خلال انجام آن، به این معناست که مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌گر بر سر این نکته توافق کنند که «در حال صحبت با تاریخ هستند» و از صحبت‌های بی‌اساس یا سخنان بی‌پهوده خودداری می‌کنند، این روش می‌تواند سدی در برابر گفته‌های اهانت‌آمیز باشد. مصاحبه‌شونده‌ای که با هدف مصاحبه آشناست، می‌داند که او برای ایجاد یک سند صحبت می‌کند، و به این ترتیب می‌تواند حدود گفته‌هایش در مورد شخص دیگر را بداند و با دقت بیشتری در مورد افراد صحبت کند، یک مصاحبه‌گر آگاه می‌تواند از ایجاد روابط بسیار صمیمانه جلوگیری کند، یعنی چیزی که سبب حس اعتماد بی‌دلیل می‌شود. اگر روابط مصاحبه‌گر / مصاحبه‌شونده به اندازه کافی قابل اعتماد است، آن‌ها می‌توانند در حالی که هنوز گفتگو ادامه دارد، یک «فرا گفتگو»<sup>۴</sup> درباره خود مصاحبه داشته باشند و تصمیم بگیرند که یک موضوع خاص در گفتگو دنبال شود یا نشود.

با توجه به مطلب بالا، می‌توان گفت رضایت آگاهانه از هر نظر مطلوب و امکان‌پذیر است. با این حال، سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که هدف مصاحبه تا چه اندازه، بایستی برای مصاحبه‌شونده و پاسخگو روشن شود همانطور که جرمی برچر<sup>۵</sup> چندین سال پیش گفته است «اگر آنها واقعا بدانند ما چه کاری می‌خواهیم با مصاحبه‌ها انجام دهیم، آیا همکاری نخواهند کرد؟»<sup>۶</sup> کاتلین بلی<sup>۷</sup> پیچیدگی این موضوع را با اشاره به مصاحبه خود درباره کوکولوس کلان<sup>۸</sup> نشان داد. در مصاحبه‌ای که او با مردان و زنان عضو «کوکولوس کلان» در دهه ۱۹۲۰ در ایندیانا داشت، نمی‌توانست رضایت آنان را برای مصاحبه جلب کند «زیرا برای آنان غیرممکن بود که تصور کنند، که من - به عنوان یک بومی اهل ایندیانا

۱. همان منبع، ص ۲۳.

۲. البته در اینجا سؤالی پیش می‌آید: اگر

مصاحبه‌کننده با شرایط توافقتنامه موافق

نباشد چه اتفاقی می‌افتد؟ الزابت میلوود به

این سؤال در برنامه تاریخ شفاهی جنوب که

چنین وضعیتی داشت پاسخ داد، Millwood,

“ Oral History Offices.”

4. Neuenschwander, Oral History and the Law, 18,23

5. Meta conversations

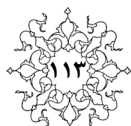
6. Jeremy Brecher

7. Brecher, review of Brothers,

196.

8. KathleenBlee

9. Ku Klux Klan



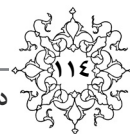
و شخصی سفیدپوست- با اقدامات نژادپرستانه و متعصبانه آنها موافق باشم.<sup>۱</sup> معمولاً مورخان شفاهی، با روایان درباره هدف، موضوع، وضعیت و موقعیت مصاحبه، مشورت می‌کنند اما معتقدند اجباری برای آگاه ساختن راوی از تفسیری که از داستان فرد ارائه می‌دهند، ندارند. اما «برچر» سؤال تازه‌ای مطرح می‌کند: «قرارداد ما با پاسخگویان (مصاحبه‌شوندگان) چه ویژگی‌هایی دارد و چه محدودیت‌هایی را در کارمان ایجاد می‌کند؟»<sup>۲</sup> به‌طور کلی، فریبکاری کاری غیراخلاقی است.

با این حال، فیلم‌سازی به نام کلود لانزمن<sup>۳</sup> با استفاده از یک دوربین مخفی و ضبط خاطرات متهمان نازی واقعه هولوکاست<sup>۴</sup>، فیلمی حماسی به نام هولوکاست ساخت.<sup>۵</sup> آیا این حق مردم است که صدای جنایتکاران جنگی را بشنوند درحالی که لانزمن رضایت جنایتکاران واقعه هولوکاست را برای مصاحبه جلب نکرده است؟ یا نه؟<sup>۶</sup> بر اساس اصول یک کار حرفه‌ای استاندارد، که بایستی در آن حقوق راوی حفظ شود، می‌توان گفت کار «لانزمن» با توجه به اصول اخلاقی و حقوق شهروندی کاری غیراخلاقی بوده است.

### فرم‌های انتشار و حق مولف<sup>۷</sup>

چون تاریخ شفاهی اساساً یک کار آرشیوی است، پژوهشگران در ابتدا بیشتر در پی به‌دست‌آوردن مالکیت مصاحبه‌ها و رونوشت‌های کامل آن بودند چون بدون اینها، حق اعطای حق دسترسی این مواد را به دیگران نداشتند. مصاحبه یک کار خلاقانه است که مالک آن مصاحبه‌شونده است و بنابراین مشمول قانون کپی‌رایت است. (در این قانون به مصاحبه‌کننده کمتر اشاره شده، در ادامه به این موضوع خواهیم پرداخت). زمانی که مصاحبه کامل شد، برای اینکه یک مصاحبه توسط اشخاصی غیر از مصاحبه‌شونده به کار رود، مصاحبه‌کننده یا مؤسسه‌ای که او برایش کار می‌کند، بایستی یک توافقنامه قانونی تدوین کنند، که براساس آن حقوقی هم برای مصاحبه هم برای مصاحبه‌گر و هم برای مخزن، یعنی جایی که برای همیشه در آن نگهداری خواهد شد، مشخص شود. نیوایشاندر می‌نویسد: «بدون داشتن حق مولف و بدون در نظر گرفتن حقوق مصاحبه‌شونده یا مصاحبه‌کننده از نظر قانونی مالک نمی‌تواند از نوار صوتی یا رونوشت مصاحبه تاریخ شفاهی استفاده کند یا آن را منتشر کرده و یا در دسترس محققان بگذارد». (با تأکید بر مواد اصلی).<sup>۸</sup> حق کپی‌رایت می‌تواند با یک «هیه‌نامه»<sup>۹</sup> یا صلح‌نامه با یک قرارداد مشخص شود. در هر دو مورد به دیگران اجازه داده می‌شود که به مصاحبه دسترسی داشته باشند، و کسانی که به نوعی بر مصاحبه مالکیت دارند، اجازه خواهند داشت که از مصاحبه استفاده کرده، آن را بازتولید و منتشر کنند، به‌علاوه آن‌ها را از استفاده غیرقانونی توسط دیگران، محافظت کنند. هر دوی اینها در بردارنده عناصر خاصی هستند، که با زبان رسمی و پذیرفته شده، گفته شده است. گرچه قالب‌های خاصی در دسترس هستند، ولی استفاده از یک اندازه خاص برای همه موارد مناسب نیست، و به مصاحبه‌شوندگان،

1. Blee, "Evidence, Empathy, and Ethics," 604.
2. Blee, "Evidence, Empathy, and Ethics," 604 .
3. Claude Lanzmann
4. Shoah
5. Lanzmann, Shoah: Complete Text.
6. Brecher, review of Brothers, 196; Blee, "Evidence, Empathy, and Ethics," 604
7. Copy Right
8. Neuenschwander, Oral History and the Law, 5
9. A deed of gift



مدیران پروژه‌ها، و مخازن توصیه شده است که با یک مشاور حقوقی برای ایجاد یک سند اهدایی، یا قرارداد که مناسب با پروژه باشد، مشورت کنند.<sup>۱</sup>

مورخان شفاهی متفق‌القولند که مهم‌ترین حق برای ایجاد ایمنی در انتشار آثار، حق کپی‌رایت است. هدف آن‌ها انتقال مالکیت اثر خلاقانه‌ای است که حاصل کار مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده است. هر کسی که حق کپی‌رایت را دارد، می‌تواند مصاحبه را دوباره برگزار، منتشر و پخش کرده، آن را بفروشد و یا به‌صورت قانونی دیگران را از انجام این کار، بدون مجوز قانونی صریح بازدارد. با این حال، امضای توافقنامه حق کپی‌رایت تنها برای این نیست که مصاحبه در دسترس دیگران قرار گیرد، راوی می‌تواند با امضای توافقنامه حق کپی‌رایت، نگهداری فیزیکی از نوارهای صوتی و رونوشت مصاحبه‌ها را به یک شخص یا آرشیو بدهد و چنانچه لازم بداند، اجازه استفاده محدود از آن‌ها را بدهد، کاربران دیگری به‌غیر از مصاحبه‌کننده، چنانچه نیاز به استفاده گسترده‌تری از مصاحبه دارند، بایستی اجازه راوی را داشته باشند. درحالی‌که تعدادی از آرشیوها و برنامه‌های تاریخ‌شفاهی، به راوی اجازه می‌دهند که حق کپی‌رایت مصاحبه را برای خود حفظ کند، اما معمولاً می‌خواهند که این مصاحبه‌ها به مؤسسه بازگردانده شوند و به ورثه انتقال داده نشود، زیرا مخازن و آرشیوها نمی‌توانند در طول زمان به ورثه دسترسی داشته باشند. با این حال، حفاظت آثار با استفاده از قانون کپی‌رایت، همیشگی نیست. براساس قانون کپی‌رایت که در سال ۱۹۷۶ تصویب شد، حق کپی‌رایت برای آثاری که در ۱ ژانویه ۱۹۷۸ یا بعد از آن ایجاد شده‌اند، هفتاد سال بعد از حیات نویسنده (برای مثال، مصاحبه‌شونده)، اعتبار دارد، و بعد از آن این آثار وارد محدوده انتشار عمومی می‌شوند. مصاحبه‌ها می‌توانند در زمان انجام هم در معرض استفاده عمومی قرار گیرند، در نتیجه، با کپی‌رایت کاری نداشته و این کار با استفاده از فرم‌های انتشار قانونی صورت گیرد.<sup>۲</sup>

در این زمان موقعیت مصاحبه‌گر به‌عنوان یکی از مالکان حق کپی‌رایت برای مصاحبه، روشن نیست، این مربوط به موقعیت مصاحبه در سازمان حامی آن است. اگرچه دادگاه‌ها در این خصوص قانونی ندارند، دفتر کپی‌رایت آمریکا، در صورت «نبودن توافقنامه‌ای که برخلاف آن باشد» مصاحبه‌کننده‌ها را نویسنده مشترک (یکی از خالقان مصاحبه) می‌شناسد.<sup>۳</sup> به‌طور کلی، پیشنهاد می‌شود که، وقتی که مصاحبه‌ها توسط یک شرکت مجری پروژه یا یک آرشیو نگهداری می‌شود، مصاحبه‌کنندگان حق کپی‌رایت را واگذار کنند. یک مورد استثناء واضح، در مصاحبه‌ای است که توسط یک کارمند تمام وقت، در یک سازمان به عنوان بخشی از وظیفه‌اش، انجام شده است. در چنین شرایطی می‌توان اصطلاح «کار برای دریافت مزد» را به کار برد، در این چنین شرایطی کلیه حقوق مصاحبه‌کننده/ کارمند به کارفرما واگذار می‌شود. اما بسیاری از مصاحبه‌کنندگان کارمندان تمام وقت یک مؤسسه یا سازمان نیستند که در یک پروژه تاریخ‌شفاهی کار می‌کنند، بلکه بسیاری از آن‌ها کارمندان نیمه‌وقت یا موقت، پیمانکاران مستقل، یا داوطلبانی هستند که اصطلاح «کار برای دریافت مزد» را نمی‌توان برای

۱. معمولاً راوی حقوقی نسبت به نوار صدایش و نسخه‌ای که از آن منتشر می‌شود دارد و روال کار این است که در پایان مصاحبه و قبل از اینکه نسخه‌ای از آن تهیه شود فرم کپی‌رایت بایستی امضا کند راوی می‌تواند پس از مطالعه نسخه مصاحبه می‌تواند آن را اصلاح کند و شرایط دسترسی به نوار صوتی و نسخه کپی آن را تغییر دهد در هر یک از این موارد بایستی یک فرم کپی‌رایت جدید امضا شود.

۲. «قانون کپی‌رایت آمریکا»، واشنگتن دی سی: دفتر حقوق کپی‌رایت (۲۰۰۲) منتشر شده توسط دفتر حقوق کپی‌رایت آمریکا.

Office Practices, Sec. ۳۱۷, quoted in Copyright © ۲۰۰۰ US Copyright Office, Compendium II, Neuenschwander, Oral History and the Law, ۳۱.

3. Neuenschwander, Oral History and the Law, 32.

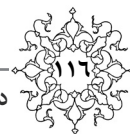




آن‌ها به کار برد. تحت چنین شرایطی، در ابتدای کار، مؤسسه حامی پروژه بایستی در تأمین حقوق برای مصاحبه‌ها، با استفاده از روش «کار برای مزد» یا واگذاری حق کپی‌رایت به مصاحبه‌کننده، بکوشد. با این حال، بهتر است که مدیریت کار بر اساس شرایط افراد تنظیم شود؛ برای مثال، اگر مصاحبه‌کننده در مورد موضوعی مصاحبه می‌کند که در رابطه با علائق پژوهشی خود اوست یا یک محقق بدون حمایت مؤسسه رسمی مصاحبه‌هایی ترتیب می‌دهد، به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده است، که مصاحبه‌هایش در یک آرشیو نگهداری شود، ممکن است، از حق خود استفاده کرده و برای مصاحبه‌هایش حق انحصاری استفاده برای یک دوره خاص زمانی، تعیین کند.<sup>۱</sup>

مجوز انتشار قانونی، علاوه بر انتقال حق کپی‌رایت، به راوی اجازه می‌دهد، که شرایطی را مشخص کند که براساس آن می‌توان -یا نمی‌توان- مصاحبه را در دسترس عموم قرار داد. درحالی‌که مورخان به‌طور کلی، مجوز انتشار بدون محدودیت را ترجیح می‌دهند، مصاحبه‌کننده می‌تواند، با جلوگیری از انتشار همه یا بخشی از مصاحبه برای چند سال، از انتشار برخی موضوعات حساس جلوگیری کند. با این حال، ایجاد چنین محدودیتی، از جانب راوی همیشگی (تخطی‌ناپذیر) نیست، چنانچه مصاحبه آنقدر ارزش و اهمیت داشته باشد که ارزش رسیدگی قانونی داشته باشد، می‌تواند با حکم دادگاه ابطال شود. مصاحبه‌شونده همچنین می‌تواند برای کاربرها این محدودیت را ایجاد کند و اجازه ندهد که به‌صورت مستقیم از مصاحبه نقل‌قول کنند و بخواهد که برای مقطعی از زمان یا برای همیشه گمنام باقی بماند. حالت دوم به‌خصوص برای مورخان پذیرفته نیست، زیرا آنان به منابع بی‌نام و نشان اعتماد ندارند، اما بعضی وقت‌ها راوی درخواست می‌کند که امنیت و حریم خصوصی حفظ شود. متأسفانه، مصاحبه‌های زیادی در آرشیوهای عمومی وجود دارد، که برای برخی از آن‌ها، مجوز انتشار قانونی گرفته نشده است. در دسترس قراردادن این مصاحبه‌ها قبل از تمام‌شدن مهلت حق کپی‌رایت، هم غیرقانونی و هم غیراخلاقی است. در این موارد، راویان بایستی در صدد گرفتن مجوز قانونی مجدد برای آن‌ها باشند. اگر راوی بمیرد، برای تماس با ورثه، یعنی کسانی که حق کپی‌رایت به آن‌ها رسیده است، باید تلاش کرد، تا بتوان نسبت به آزادی انتشار مصاحبه اقدام کرد. از آنجا که دفتر کپی‌رایت مصاحبه‌گر را یک نویسنده مشترک می‌شناسد و از آنجا که قانون کپی‌رایت به نویسنده مشترک اجازه می‌دهد که حق خود را بدون کسب موافقت نویسنده دیگر، به فرد سومی انتقال دهد، روش دیگر این است که اگر راوی و ورثه‌اش در قید حیات نباشند یا جای آن‌ها مشخص نباشد، این راوی است که حق کپی‌رایت مصاحبه را امضا می‌کند. ناشرانی که در آثارشان، مصاحبه‌هایی را می‌گنجاند که حق آزادی انتشار برایشان گرفته نشده است، مؤسسه‌ای را مالک بالفعل این مصاحبه‌ها می‌شناسند که مصاحبه‌ها برای همیشه در آنجا نگهداری و آرشیو شده‌اند، و این مؤسسات را مسئول جبران خسارت‌های ناشی از عوارض ناخوشایند انتشار مصاحبه‌ها می‌دانند. اگر این توضیحات مجوز انتشار و حق کپی‌رایت قبل از مصاحبه برای راوی مناسب باشد

۱. بایستی به این موضوع توجه شود که کالجها و دانشگاه‌ها به‌طور روزافزون حقوقی برای مالکیت معنوی وضع می‌کنند این حقوق توسط اعضای هیئت‌علمی یا کارکنان شاغل در موسسه وضع می‌شود. پژوهشگرانی که در یک محیط دانشگاهی کار می‌کنند و مصاحبه‌هایی برای پژوهش‌های خود انجام می‌دهند بایستی سیاست‌های دانشگاه‌ها یا مؤسسات خود منجمله مصاحبه‌های خود را با در نظر گرفتن مالکیت آثار معنوی خود توضیح دهند.



می‌تواند جدی بودن پرسش و پاسخ و ارزش داستان راوی را ثابت کند. مجوز انتشار قانونی و مسائل مربوط به حق کپی‌رایت، مسائل قانونی هستند، و یک اصل اساسی اخلاقی را در تاریخ شفاهی اثبات می‌کنند و آن اثبات اقتدار مصاحبه‌شونده بر مصاحبه است. برخی محققان از دادن این اختیار و قدرت به مصاحبه‌شوندگان نگرانند، آن‌ها می‌گویند که ژورنالیست‌ها، برای انتشار مصاحبه‌ها از هیچ‌گونه فرم انتشار قانونی تبعیت نمی‌کنند، به آن‌ها اجازه داده می‌شود که هرگونه می‌خواهند از مصاحبه استفاده کنند. مورخان مانند ژورنالیست‌ها نیستند، هدف از انجام مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، برخلاف بیشتر مصاحبه‌هایی که برای اهداف ژورنالیستی انجام می‌شود، نگهداری و حفاظت دائمی آنهاست. همچنین مورخان نسبت به ژورنالیست‌ها شرایط سخت‌تر و استانداردهای بالاتری برای گواه یا شاهد در نظر می‌گیرند. مورخان شفاهی مرهون روایانی هستند که داستان زندگی‌شان را گفته‌اند و مورخان آن را تبدیل به یک سند فرهنگی کرده‌اند. بنابراین، چون مصاحبه‌های تاریخ شفاهی برای ایجاد سند نگه‌داری می‌شوند، قانون کپی‌رایت در مورد آن‌ها اعمال می‌شود، و راوی به‌عنوان مالک اصلی مصاحبه، این حق را دارد که چگونگی استفاده از آن‌ها را تعیین کند.

مسئله دیگر، مربوط به «محرمانه بودن» است و مربوط به اطلاعاتی است که در مصاحبه داده می‌شود، اگر این اطلاعات فاش شود می‌تواند راوی را در معرض تحریم‌های قانونی، شرمساری از مردم، و پیامدهای نامطلوب دیگر قرار دهد. باید گفت، در یک توافق آگاهانه که بر اساس آگاهی مصاحبه‌شونده است، باید به راوی در مورد گفتن موضوعات محرمانه هشدار داد که محتاطانه عمل کند، اما اگر مصاحبه‌شونده می‌خواهد مواردی را مطرح کند که ممکن است آسیب‌زا باشند، برای مثال، اگر مصاحبه‌شونده در یک جنایت دست داشته است، بایستی مصاحبه‌گر دوباره او را آگاه کند که این مصاحبه برای ضبط است و به عنوان سند از آن استفاده خواهد شد؟ یا فرض کنید راوی به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه شرکت خود را در یک جنایت آشکار می‌سازد، اما می‌خواهد صحبت‌هایش برای مقطعی از زمان، مسکوت بماند یا از مصاحبه حذف شود. آیا مصاحبه‌شونده می‌تواند چنین درخواستی داشته باشد؟ یا زمانی که راوی شرکت در یک جنایت را فاش می‌کند و می‌تواند از مصاحبه‌گر بخواهد که این موضوع فاش نشود؟ در چنین مواردی مصاحبه‌گر در تأمین خواسته راوی مردد است زیرا بایستی انجام حق شخصی راوی را در مقابل حق مردم برای دانستن و عدالت‌خواهی قرار دهد. آیا افشای جرایم خطرناک یا جرایمی که دارای آثار سوءاجتماعی هستند - برای مثال جرایم جنگی یا اختلاس اموال عمومی یا خشونت‌های خانگی - بایستی محرمانه بمانند؟ یا موضوعاتی که جرم نیست اما یک کار درست اجتماعی و غیراخلاقی است، مانند اعمال غیرعدالته‌ای که در مورد اقلیت‌ها یا زنان می‌شود (که غیرقانونی نیستند اما سبب ناراحتی و ایجاد مشکل برای راوی شده‌اند) بایستی فاش شوند یا محرمانه باقی بمانند؟ آیا مصاحبه‌کننده بایستی



همیشه بی طرف باشد، و قضاوتی نکند یا اعمال جنایتکارانه گذشته مصاحبه شونده را آشکار کند؟<sup>۱</sup> بر اساس «دستورالعمل‌های ارزشیابی»<sup>۲</sup>، «مصاحبه‌ها بایستی تازمانی که مصاحبه شونده‌ها اجازه استفاده از آن‌ها را ندهند، محرمانه بمانند» در این دستورالعمل‌ها بر امتیاز راوی در محدود کردن دسترسی به مصاحبه تأکید شده است.<sup>۳</sup> انجمن مردم‌شناسی آمریکا در کتابی تحت عنوان «توضیحاتی درباره اخلاقیات». بر حق راوی و شخص مورد تحقیق برای حفظ حریم خصوصی خود در میان گفته‌هایش، تأکید می‌کند: «مردم‌شناسان در تحقیقات خود، مسئولیت بزرگی در برابر کسانی دارند که موضوع مورد مطالعه هستند. زمانی که تضادی بین پژوهشگر و راوی پیش می‌آید، راویان در درجه اول اهمیت قرار دارند. مردم‌شناسان بایستی تا آنجا که در توان دارند آرامش روانی، اجتماعی و فیزیکی راویان را فراهم کنند و شأن و حریم خصوصی آن‌ها را محترم بشمارند.»<sup>۴</sup> «انجمن جامعه‌شناسی آمریکا» در دستورالعمل منشور اخلاقی<sup>۵</sup>، آورده است: ممکن است عواملی، حفظ محرمانگی راوی را به مخاطره اندازد، گرچه آشکار کردن اعمال گذشته مشکلی به وجود نمی‌آورد، ولی افشای کارهایی که در آینده انجام خواهد شد، برای دیگران، آسیب‌زا خواهد بود: جامعه‌شناسان ممکن است با شرایط پیش‌بینی نشده‌ای روبرو شوند، مثلاً جایی که آن‌ها از اطلاعاتی آگاه می‌شوند که زندگی یا سلامتی افراد دخیل در پژوهش، دانشجویان، کارمندان، و مخاطبان، را تهدید می‌کند. در این موارد، جامعه‌شناسان بین اهمیت محرمانگی و دیگر اصول در دستورالعمل «منشور اخلاقی»، استانداردهای انجام کار، و قوانین موجود، تعادل برقرار می‌کنند.<sup>۶</sup> روشن است که سئوال‌ات مربوط به محرمانگی پاسخ روشنی ندارد. «نیواینشاندر» می‌نویسد، مورخان، برخلاف وکلا، روحانیون، و روان‌پزشکان، از دادن حق ویژه به راویان، خشنود نیستند، و مورخان برای گزارش جرایم افراد محدودیت و منع قانونی ندارند. او همچنین نکاتی را در مورد چگونگی گزارش جرایم افراد یادآوری می‌کند، این نکات در رابطه با محدودیت‌ها، سخنان اهانت‌آمیز و تحریمه‌ای قانونی برای نقض محرمانگی است. در پایان، باید گفت اخلاق حرفه‌ای ممکن است با وظیفه شهروندی پژوهشگر یا ارزش‌های اخلاقی او تضاد داشته باشد، محققان باید خودشان تصمیم بگیرند که چگونه چنین تضادهایی را حل کنند.

### تاریخ شفاهی و شبکه گسترده جهانی

کاربرد در حال افزایش شبکه گسترده جهانی، به عنوان ابزاری برای انتشار مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، مسائل دیگری را در مورد توافق آگاهانه و دسترسی پیش رو قرار داده است. اگر استفاده از یک مصاحبه متضمن قراردادن همه یا بخشی از آن در شبکه وب باشد، مصاحبه‌گر بایستی با راوی به‌عنوان بخشی از فرآیند توافق آگاهانه بحث و مشورت کند. اما سؤالی که پیش می‌آید این است: چگونه کسی که با شبکه وب ناآشناست، به‌خصوص با ظرفیت و توانایی آن برای

1. Hall, "Confidentially Speaking."

«هال» در این کتاب سئوال‌ات زیادی در مورد محرمانه بودن و موضوعات دیگر- بدون ارائه راه حل - مطرح کرده و چندین موقعیت چالش برانگیز اخلاقی را مطرح می‌کند.

2. Evaluation Guidelines

۳،۳ «دستورالعمل‌های ارزشیابی» انجمن تاریخ شفاهی ۴.

۴ شورای انجمن انسان‌شناسی آمریکا،

4. Council of the American Anthropological Association, "Relations with those Studied," Statements of Ethics:

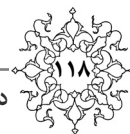
Principle of Professional Responsibility (Arlington, VA: American Anthropological Association, 1971),

<http://www.aaanet.org/stmts/ethst>

5. Code of Ethics mnt. htm (accessed January 26, 2005 )

۶. انجمن جامعه‌شناسی آمریکا:

American Sociological Association, Code of Ethics, Code of Ethics and Policies and Procedures of the USA Committee on Professional Ethics (Washington, DC: American Sociological, 1999), 10, <http://www.asanet.org/members/coe.Pdf> (accessed January 26, 2005)



در دسترس قراردادن مصاحبه به میلیونها نفر در عرض چند ثانیه، بدون اینکه بتواند کنترلی بر چگونگی کاربرد آن داشته باشد، آگاهانه اجازه می‌دهد که مصاحبه‌اش در شبکه وب منتشر شود؟ وظیفه، مصاحبه‌کننده در چنین شرایطی این است که کارکرد شبکه و توانایی‌ها و قابلیت‌های آن را برای مصاحبه‌شونده مطرح سازد. در چنین حالتی حداقل کاری که مصاحبه‌گر بایستی انجام دهد این است که فضای وب و ظرفیت‌های آن را برای مصاحبه‌شونده توضیح دهد.

فرم‌های مجوز انتشار باید دربردارنده عباراتی برای قراردادن مصاحبه و رونوشت آن - یا محدودکردن انتشار آن - در شبکه وب باشد. حتی اگر هیچ طرح فوری برای انجام این کار وجود ندارد، درج چنین عبارتی در آینده اجازه انتشار را در آینده می‌دهد. اما درباره آپلود کردن مصاحبه‌ای که در دوران قبل از آمدن شبکه وب جمع‌آوری شده است، چه باید کرد؟ اگر فرم حق آزادی انتشار دربردارنده عبارتی باشد که کاربرد آینده مصاحبه را مشخص کند می‌توان مصاحبه را در شبکه وب قرار داد، در چنین حالتی مدیران پروژه شاید بتوانند این کار را با گرفتن مجوز قانونی انجام دهند. اما آیا در حالی که راوی از ظرفیت‌های شبکه وب هیچ آگاهی نداشته و فرم انتشار را امضا کرده است، انجام این کار اخلاقی است.؟ درباره مصاحبه‌هایی که در فرم انتشار آن‌ها هیچ‌گونه عبارتی در مورد کاربرد آینده آن‌ها و به تبع آن انتشار آن در وب نیامده، چه می‌توان کرد؟ این مسائل در دهه ۱۹۹۰ در انجمن تاریخ‌شفاهی مورد بحث قرار گرفت. برای انتشار اسنادی که هیچ‌گونه توافقنامه قانونی برای انتشار آن‌ها در وب در دست نیست، بایستی با راوی یا ورثه‌اش تماس گرفت و اجازه خاص آن‌ها را برای انجام این کار گرفت. با وجود این آرشیویست‌ها، که مسئولیت اصلی این کار برعهده آن‌هاست، آشکارا از این کار طفره می‌روند، و این‌گونه استدلال می‌کنند که تماس مجدد با روایان یا ورثه آن‌ها کارمشکل و غیرممکنی است.

انجمن تاریخ‌شفاهی، ۲۰۰۰ دستورالعمل از دستورالعمل‌های ارزیابی را به این موضوع اختصاص داده است و در آن آمده است «برای کاربرد مصاحبه‌های ضبط‌شده و رونوشت با توجه به شرایط و روحیات راوی تلاش‌های خالصانه‌ای لازم است»، این عبارت، دلالت بر نیاز به قضاوت منطقی در مورد کاربردهای متفاوت مصاحبه‌ها در آینده و بر اساس شرایط روایانی دارد که مجوز انتشار آن‌ها (در مورد گذاشتن مصاحبه‌ها) مبهم است.<sup>۱</sup>

با این حال، موضوع تنها موافقت راوی نیست. مسلماً گذاشتن مصاحبه‌ها در وب سبب دسترسی گسترده به آن‌ها می‌شود. موتورهای جستجوی قدرتمند، دانشجویان و محققان دیگر را قادر می‌سازد از وجود منابعی آگاه شوند که قبلاً از آن‌ها اطلاعی نداشتند، و با استفاده از اینترنت در عرض چند ثانیه در صفحه مانیتور نمایان می‌شوند. اما آیا همیشه این نوع دسترسی غیرقابل کنترل و بدون نام و نشان، مطلوب است؟ با بررسی‌های اندکی که توسط آرشیوها هنگام رورویایی با مراجعان انجام شده است، مشخص می‌شود که در این موارد فرصت نقض حق کپی‌رایت و

۱. «دستورالعمل‌های ارزشیابی» انجمن تاریخ‌شفاهی ۵.



سوء استفاده از سخنان راوی چندین هزار برابر می‌شود.<sup>۱</sup> به این دلایل، و دلایل دیگری که مربوط به مسائل اقتصادی و فنی است، بسیاری از برنامه‌های تاریخ شفاهی متن کامل مصاحبه‌های خود را در شبکه وب قرار نمی‌دهند. افراد دیگری هم نوارهای صوتی یا نسخه‌های نوشتاری را در شبکه وب قرار می‌دهند، اما قبل از اینکه اجازه دسترسی به آن‌ها را بدهند، محدودیت‌های خاصی را در نظر می‌گیرند، از جمله اخطار به کاربران در مورد محدودیت‌هایی که به واسطه حق کپی‌رایت ایجاد می‌شود، کسب اجازه برای نقل قول‌ها، ارائه یک فرم ثبت‌نام، درخواست از کاربر برای تشریح هدفی که از کاربرد مصاحبه‌ها دارد. با این حال افراد دیگری هم، در پی کمک به کاربران و ایجاد یک حس خوب از مصاحبه‌ها، برای آن‌ها هستند، و مصاحبه‌ها را همراه با اطلاعات متنی به آن‌ها ارائه می‌کنند.<sup>۲</sup>

### تاریخ شفاهی و مقررات فدرالی حاکم بر پژوهش‌های مربوط به موضوعات انسانی

در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، محققانی که در کالج‌ها و دانشگاه‌ها بودند، ملزم شدند قبل از انجام هر نوع مصاحبه، پروژه‌های تاریخ شفاهی خود را به «هیئت‌های داورى سازمانی»<sup>۳</sup> دانشگاه ارائه دهند. «هیئت‌های داورى سازمانی» که مسئول و ضامن اجرای مقررات فدرالی برای تحقیقات انسانی هستند، بخشی از اختیارات تاریخ شفاهی را برعهده گرفته‌اند و این در قانون «شماره ۴۵ مقررات فدرال»، بخش ۴۶<sup>۴</sup> یا قانون حفاظت از موضوعات انسانی، آمده است.<sup>۵</sup> با این حال، «شماره ۴۵ مقررات فدرال» در ابتدا برای حفاظت موضوعات تحقیق از اعمال غیراخلاقی بود، مانند اعمال غیراخلاقی که، به‌دستور مقامات، برای مطالعه بیماری سیفلیس در شهر توسکیجی انجام شد و از مردان سیاهپوست برای مطالعه این بیماری سوءاستفاده شد و این کار را در قالب پژوهش‌های پزشکی انجام شد. در نتیجه، الگوهایی که برای اینگونه پژوهش‌ها به کار می‌رفت برای تاریخ شفاهی نیز به کار رفت در حالی که برای مطالعه تاریخ شفاهی مناسب نبود: از مصاحبه‌کنندگان خواسته می‌شد که پرسش‌نامه‌های دقیقی در راستای اهداف مصاحبه تنظیم کنند، تا راوی ناشناس بماند و این برخلاف میل راوی بود زیرا راوی می‌خواست شناخته شود همچنین از مصاحبه‌گران خواسته می‌شد که نوارهای صوتی و رونوشت‌های مصاحبه را بعد اتمام پروژه از بین ببرند. این اقدامات اصول اساسی تاریخ شفاهی را نقض می‌کرد. مسئله مهمی که برخی «هیئت‌های داورى سازمانی»<sup>۶</sup> هم آن را بیان کرده‌اند این است که مصاحبه‌گران سؤالی نپرسند که از نظر روانی به مصاحبه‌شونده آسیب بزند. در این قانون آمده است که «افشای پاسخ‌های مصاحبه‌شونده در خارج از حوزه پژوهش، می‌تواند راوی را در خطر مسئولیت مدنی یا کیفری قرار داده، و یا به موقعیت مالی، اشتغال، یا شهرت و سابقه او لطمه بزند».<sup>۷</sup> با اینکه قوانین برای این نوع پژوهش‌ها ممنوعیتی برقرار نمی‌کنند، و تنها هدف‌شان «به‌حداقل رساندن» آسیب

۲.۱. تصمیم دادگاه عالی امریکا در در سال ۲۰۰۱ در نیویورک تایمز منتشر شد و مسائلی در رابطه با انتقال حق کپی‌رایت از یک رسانه به رسانه دیگر بدون گرفتن مجوز از نویسنده در این نشریه به چاپ رسید. برای اطلاعات بیشتر درباره کپی‌رایت انتشارات وب نگاه کنید به:

History Oral, Neuenschwander

۲. برای بحث بیشتر در مورد اخلاق در

تاریخ شفاهی نگاه کنید به:

Ann Larson, "Guarding against Cyberpirates," Oral History Association Newsletter 33, no. 3 (Fall 1999): 4-5 and Laeson, "Potential, Potential, Potential. " and the Law,

3. Institutional Review

4. Code of Federal Regu

۵. بخش خدمات انسانی و سلامتی- دفتر

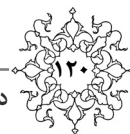
حفاظت پژوهش‌های انسانی- کد قوانین

فدرال بخش ۴۶

6. IRB lations CFR1

۷. همان منبع. پاراگراف ۱۰۱.۴۶ Board

.۴۵-۴۴



است، برخی «هیئت‌های داوری سازمانی» آن‌ها را نوعی چالش در مصاحبه می‌دانند. بنابراین مورخان معتقدند که نظرات هیئت‌های داوری سازمانی تأثیر دلسردکننده‌ای بر پژوهش‌های قانونی داشته و در واقع تأثیر منفی بر آزادی‌های علمی دارد.<sup>۱</sup>

با توجه به این موارد و نگرانی‌ها، در سال ۱۹۸۸ «انجمن تاریخ آمریکا»<sup>۲</sup> و انجمن تاریخ شفاهی، با «دفتر حفاظت از خطرات تحقیق» که در سال ۲۰۰۰ به نام «دفتر حفاظت پژوهش‌های انسانی»<sup>۳</sup> تغییر نام داد، ارتباط گرفتند، این دفتر در بخش «خدمات بهداشتی و انسانی»<sup>۴</sup>، که یک دفتر فدرال برای اجرای مقررات مربوط به موضوعات انسانی است، قرار داشت که مشروعیت نظرات «هیئت‌های داوری سازمانی» درباره تاریخ شفاهی در چارچوب‌های قانونی موجود را، مورد سؤال قرار می‌داد، یا در ایجاد توافقی برای شکل بازبینی که مطابق با اصول اخلاقی در این زمینه باشد، شکست می‌خورد. بعد از پنج سال، در سال ۲۰۰۳، دفتر «حفاظت پژوهش‌های انسانی» قانونی را به تصویب رساند که توسط «انجمن تاریخ آمریکا» و «انجمن تاریخ شفاهی» نیز پذیرفته شد، در این قانون آمده بود که «که اکثر پروژه‌های مصاحبه تاریخ شفاهی، از مقررات مربوط به حفظ موضوعات انسانی تبعیت نمی‌کنند و می‌توانند، از بررسی سازمانی مستثنی شوند زیرا آن‌ها طبق مقررات «وزارت بهداشت و خدمات انسانی آمریکا»<sup>۵</sup> پژوهش محسوب نمی‌شوند».<sup>۶</sup> این اعتقاد به این معنا نیست که تاریخ شفاهی یک شکل صحیح و قانونی پژوهش نیست و همچنین اصول اخلاقی در آن در نظر گرفته نمی‌شود بلکه به این معناست که مورخان شفاهی در عمل براساس استانداردهای قانونی و اخلاقی با توجه به تاریخ شفاهی آزادند و استانداردهای آنان با استانداردهای پژوهش‌های رفتاری و پزشکی متفاوت است.<sup>۷</sup>

هیئت‌های داوری سازمانی، که مقررات خاص خود و اختیارات زیادی در تفسیر «قانون مشترک»<sup>۸</sup> دارند، مستثنی کردن تاریخ شفاهی از بررسی‌ها را نپذیرفته‌اند، و «دفتر حفاظت پژوهش‌های انسانی»، پس از موافقت با سیاست «انجمن تاریخ» و «انجمن تاریخ شفاهی» و در پاسخ به سؤالات هیئت‌های داوری سازمانی، دستورالعمل‌هایی خلاف آن‌ها صادر کرد و برخی از موضوعات تاریخ شفاهی را موضوعاتی می‌دانست که باید مورد بررسی قرار گیرند. «دفتر حفاظت پژوهش‌های انسانی» با این دستورالعمل «انجمن تاریخ» و «انجمن تاریخ شفاهی» مخالف بود و سیاست اصلی را که مستثنی کردن تاریخ شفاهی از بازبینی و بررسی بود، بار دیگر مورد تأکید قرار داد بنابراین، همان‌طور که از این نوشته که در اواخر سال ۲۰۰۵ نوشته شده است، مسئله بازبینی تاریخ شفاهی حل نشده و کاملاً نابسامان باقی می‌ماند: هیئت‌های داوری سازمانی کلاً، مدعی قدرت برای پروتکل‌های بازبینی مصاحبه هستند. «دفتر حفاظت پژوهش‌های انسانی» از دیدگاه‌های متضاد در این زمینه حمایت می‌کند، مورخان شفاهی مجبورند که بر اساس نظرات قانونی عمل کنند، که در بهترین حالت به‌طور نامناسبی با کاری که انجام می‌دهند مطابقت دارد،

۱. انجمن آمریکایی اساتید دانشگاه در کتابی تحت‌عنوان "Human Protecting Beings".

2. American Historical Association (AHA)

3. Office of Human Research Protections (OHRP)

4. Health and Human Services (HHS)

5. HHS

۶. متن کامل آن در انتشارات انجمن تاریخی آمریکایی در وبگاه زیر وجود دارد:

<http://www.historians.org/PRESS/IRBLetter.pdf> (Accessed December ۱۲, ۲۰۰۵)

۷. توضیحات بیشتر درباره سیاست در وبگاه انجمن تاریخ شفاهی در دسترس است:

<http://www.historians.org/PRESS/۲۰۰۳-۱۱-۱۰IRB.HTM> (

Accessed December ۱۲, ۲۰۰۵);

8. Common Rule



و در بدترین حالت آن را محدود می‌کند، و مشکلات جوامع حرفه‌ای در سطح فدرال نادیده گرفته می‌شود. بدترین حالت با کاری که انجام می‌دهند تناسبی نداشته باشند و مسائل حرفه‌ای جامعه‌ها در سطح فدرال باقی بماند.<sup>۱</sup>

### اصول اخلاقی و عملکرد مردمی تاریخ شفاهی

تاریخ شفاهی به عنوان یک کار آرشیوی در دهه ۱۹۴۰ آغاز شد، ولی در دهه ۱۹۷۰ به‌عنوان یک کار اجتماعی، در پاسخ به جنبش‌های اجتماعی و تاریخی آن دوره، گسترش یافت. تاریخ اجتماعی که تاریخ روابط اجتماعی در میان گروه‌های نابرابر و اغلب در میان گروه‌های رقیب است، تبدیل به الگوی تاریخ‌نگاری شد که تنش‌ها و مسائل زندگی معاصر را منعکس می‌کرد. افراد و گروه‌هایی که قبلاً از تاریخ جمعی ما غایب بودند و کمتر در آن نشان داده شده بودند، موضوع پژوهش‌های تاریخی شدند، و این تاریخ‌های جدید موقعیتی برای تفکر دوباره و اساسی درباره آن چیزی شد که دانش تاریخی ما را به‌درستی تشکیل می‌داد. گروه‌های مردمی، اغلب با همکاری با پژوهشگران محلی، به تاریخ خود پرداختند، زیرا معتقد بودند که دانش و آگاهی از گذشته می‌تواند سبب توانمند شدن ما در حال شود. تاریخ شفاهی، به‌عنوان منبعی از اطلاعات در مورد گذشته، که در جای دیگر قابل دسترسی نیست، و به‌عنوان یک راه دسترسی منطقی برای دانستن گذشته برای آنان که در مورد تاریخ آموزش‌های پیشرفته ندیده‌اند، جوهر اصلی حرکت برای دموکراتیزه کردن و عمل تاریخ شفاهی بود- و باقی ماند. در حالی که تاریخ شفاهی در این روش دموکراتیک مسلماً در دهه ۱۹۷۰ آغاز نشد- برای مثال با توجه به کار پیشرفته «جورج اوارت اوانز»<sup>۲</sup> در دهه ۱۹۵۰ که شیوه زندگی مردم روستایی، با ریشه‌هایی در قرن نوزدهم ممکن است کسی فکر کند که این کار در آن زمان شروع شد- مسلماً شکوفایی آن در دهه‌های آخر قرن بیستم ریشه در فعالیت‌های دهه ۱۹۷۰ در این مورد دارد. با این حال برای ارزشی که در گشودن حوزه‌ها و زمینه‌های تحقیق دارد و به‌عنوان ابزاری برای مردمی کردن تاریخ، تمرکز تاریخ شفاهی در مستند کردن آنچه بعضی اوقات «غیر نخبه»<sup>۳</sup> نامیده شده است، سبب مطرح شدن سؤالات بی‌شماری در مورد اصول اخلاقی شده است. در اینجا من روی دو مورد از مهم‌ترین آن‌ها تمرکز می‌کنم: روابط قدرت در تاریخ شفاهی و آنچه می‌توانیم آن را «هم‌ذات‌پنداری»<sup>۴</sup> مصاحبه‌شونده با مصاحبه‌گر بدانیم.

### روابط قدرت در تاریخ شفاهی

هم‌چنان که تمرکز پروژه‌های مصاحبه مورخان شفاهی، روی اعضای گروه‌های قومی و نژادی مختلف بود، فعالان کارگری و کارگران یقه آبی (کارگرانی که کارهای یدی را انجام می‌دهند) و جوامع گوناگون، تا حد زیادی آگاه شدند که روش‌های تاریخ شفاهی، از طراحی پروژه تا انجام مصاحبه و تا کاربرد مصاحبه‌ها، اغلب سبب ارتباط بین گروه‌های اجتماعی نابرابر، با مورخان شفاهی می‌شود که در موقعیت

۱. بیانیه سیاست‌های دفتر حمایت از پژوهش‌های انسانی در وبگاه انجمن تاریخ شفاهی در دسترس است:

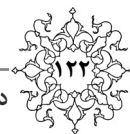
<http://www.dickinson.edu/oha/org-irbupdate.html> (accessed

December ۱۲, ۲۰۰۵)

2. George Ewart Ewans

3. Nonelite

4. Overidentification



بالا تر و مسلط قرار دارند. سؤالاتی که از یک مصاحبه‌شونده پرسیده می‌شود و براساس یک دستور کاری خاص پیش می‌رود، می‌تواند راوی را از دادن گزارش کامل درباره خودش، با واژگانی که خود می‌خواهد، محدود کند، روش گفتار مصاحبه‌گر و معرفی شخص به روش خود او می‌تواند مانع از این شود که یک راوی که با فرهنگ و نشانه‌های طبقه متوسط، فرهنگ دانشگاهی، نشانه‌های ظریف، کلامی و غیر کلامی، بیگانه باشد، بتواند به‌طور ناخواسته قضاوت منفی در مورد تجربیات راوی را انتقال دهد، کتاب و محصولات دیگری که حاصل مصاحبه‌هاست می‌تواند با قطع کردن و چسبانیدن بعضی قسمت‌ها و جابه‌جا کردن سخنان افراد، افراد پیچیده را، شخصیت‌های تک‌بعدی و به‌گونه‌ای معرفی کنند که نویسنده می‌خواهد. سؤالاتی مطرح می‌شوند، در جهت رسیدن به منافع شخصی، و داستان‌های زندگی آنهاپی است که به احتمال زیاد سود زیادی از گفتن داستان‌هایشان به‌دست نمی‌آورند و درباره برگرداندن چیزی به راویان و جوامع آن‌ها برای گرفتن داستان‌های آن‌هاست.

این موضوعات به تاریخ شفاهی محدود نمی‌شود. چون شرایط اجتماعی که سبب رشد آن‌ها می‌شوند، و در فرهنگ منعکس می‌شود، بر بیشتر کارهای فکری و بر تمام پژوهش‌های زمینه‌محور تأثیرگذار است. برای مثال، انسان‌شناسان، پیامدها و نتایج مطالعات خود را و همان‌طور که امپراطوری‌های استعماری از هم پاشیده شد، نقش اجتماعی خود را در دولت‌های در حال ظهور مورد بررسی قرار دادند. این سؤالات برای فمینیست‌ها ضرورت خاصی داشت، کسانی که درباره زنانی مصاحبه می‌کردند و می‌نوشتند که امتیاز کمتری به آن‌ها داده شده بود، کسانی که می‌توانستند همگی به آسانی خود را در موقعیت خطرناک بازتولید دقیق روابط اجتماعی نابرابر بیابند که مورد انتقاد قرار داده بودند. تعجب‌آور نیست که موضوع قدرت در تاریخ شفاهی، بیشتر در چارچوب جنبش‌های فمینیستی مطرح است، به‌ویژه در چهار اثر که مختص تاریخ شفاهی زنان است: مجله مطالعات زنان (چاپ شده در سال ۱۹۷۷، ۱۹۸۳، و ۱۹۹۸) و کتاب «شرنا برگر» تحت‌عنوان «سخنان زنان: روش فمینیستی تاریخ شفاهی»<sup>۱</sup>.<sup>۲</sup> در مجموع، این آثار هم ارزش تاریخ شفاهی را به عنوان ابزاری برای مستند کردن تجربیات زنان و هم نیاز به خودآگاهی دقیق درباره روش و الگوهای ارائه آن مورد بحث قرار می‌دهند. باز هم باید گفت که بحث روابط قدرت، اصول خاص خود را دارد و بحث پیچیده و تخصصی است. در این بحث مسلماً قدرت راوی در مصاحبه دست کم گرفته شده است - قدرتی که بر اساس آن می‌تواند از صحبت کردن امتناع کند، از دادن اطلاعات خودداری کرده یا حتی دروغ بگوید، قدرتی که این امکان را به او می‌دهد که آنچه راوی را که می‌خواهد بگوید و سؤالات مصاحبه‌گر تأثیری در گفتن یا نگفتن آن‌ها نداشته باشد. احتمالاً در بحث روابط قدرت به این موضوع توجه نمی‌شود که راوی می‌تواند دستاوردی از مصاحبه برای خود به‌دست آورد - مثلاً فرصتی برای صحبت با یک شنونده همدل، تا از مسیر زندگیش آگاه شود، به وضعیت فرد در جامعه‌اش آگاهی یابد، و مهم‌تر اینکه رضایت از گزارشی از تجربیات یک فرد در میان اسناد جمع‌آوری شده از گذشته

1. Women's Words: The Feminist Practice of Oral History

2. Frontiers 2, no. 2 (1977); no. 1 (1983); 19, no. 2 (1998); and 19, no. 3 (1998)





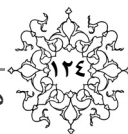
و در نهایت دانستن مسائل مربوط به نابرابری قدرت (گفتن آن‌ها توسط راوی) می‌تواند منجر به این شود که مخاطب توجهی به داستان راوی نکرده و یا توجه او از داستان راوی به معماهای اخلاقی مورخان معطوف شود. در این صورت، معماها به‌نظر واقعی می‌آیند، و مورخ شفاهی آگاه دلیل خوبی برای موارد نادری از «استرس روحی»<sup>۱</sup> دارد و این واژه‌ای است که «روبرت کلز»<sup>۲</sup> برای حس شخص از داشتن رابطه با راویان، به کار برده است.<sup>۳</sup> چگونه یک فرد می‌تواند از یک رابطه استثمار و ظالمانه در یک جامعه‌ای که نابرابری اجتماعی در آن حکم‌فرماست صحبت کند؟ چگونه می‌توانیم راویان را، از نظر مالی، از نظر فکر و شخصاً مدیون خود کنیم (و اداری به گفتن حقایق کنیم)؟ ما چه اجباری برای بازگرداندن ثمرات مصاحبه خود به افراد یا جوامعی داریم که با آن‌ها مصاحبه کرده‌ایم؟

یک بار دیگر، «دستورالعمل‌های ارزشیابی» برخی استانداردها و اصول کلی را برای کمک به پاسخ‌دادن به سؤالات مشخص می‌کند اسناد به مصاحبه‌گران هشدار می‌دهند که اختلافات اجتماعی را در مصاحبه بشناسند برای حفظ شبکه مفهومی خود در بررسی: «مصاحبه‌گران بایستی تلاش کنند تا به یک تعادل بین اهداف پروژه و نگرش‌های مصاحبه‌شوندگان به‌وجود آورند. آن‌ها باید به اختلاف و جدایی تجربیات فرهنگی و اجتماعی حساس باشند و به عواملی مانند نژاد، جنسیت، طبقه اجتماعی، سن، مذهب، تمایلات جنسی، حساس باشند. آن‌ها باید مصاحبه‌شوندگان را تشویق کنند که به روش و زبان خود پاسخ دهند و به موضوعاتی بپردازند که بیشتر آن‌ها را درگیر کرده است. «این موضوع بیانگر نیاز برای رفتار احترام‌آمیز با جوامع و در اختیار گذاشتن کار دیگری برای آنهاست: «مصاحبه‌گران بایستی نسبت به جوامعی که تاریخ شفاهی را از آنجا جمع‌آوری کرده‌اند، برای ایجاد «قالب‌های فکری» حساس باشند نه برای «بدنام» کردن آنها. مصاحبه‌گران بایستی برای در اختیار گذاشتن مصاحبه‌ها برای جوامع از هیچ‌گونه تلاشی فروگذار نکنند. دستورالعمل‌های ارزیابی پیشنهاد می‌کنند که راویان برای مشارکت‌شان در تاریخ شفاهی، از بعضی امتیازات برخوردار شوند: مصاحبه‌گران و برنامه‌های تاریخ شفاهی، آگاهانه چگونه مشارکت‌شان با مصاحبه‌شوندگان و جوامع آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند، نتایج و پاداش‌هایی که برای قدردانی از آن‌ها داده می‌شود.»<sup>۴</sup>

با این حال اینها تنها دستورالعمل هستند، عبارات کلی درباره اصولی که بایستی همیشه در کار عملی و اجرایی برای مثال، با یک مصاحبه‌شونده خاص یا در یک جامعه خاص به کار بسته شود، با این حال، بهتر است مصاحبه را، یک کار اخلاقی بدانیم. برای اینکه پیش از مصاحبه راوی را بهتر بشناسیم، وقت بگذاریم. برای اینکه بفهمیم آنچه را راوی در حال به‌دست آوردن آن در طول مصاحبه است به‌دقت گوش کنیم و سپس سؤالاتی برای شناخت بهتر راوی بپرسیم، کمتر به مصاحبه‌هایی بپردازیم که دیگران جمع‌آوری کرده‌اند و بیشتر به چگونگی روابطی توجه کنیم که

1. Moral jitters
2. Robert Coles
3. Coles, Doing Documentary Work, 85

۴. «دستورالعمل‌های ارزشیابی» انجمن تاریخ شفاهی. ص ۵-۶.



زیربنای ایجاد آنهاست، چه به اندازه یک بعدازظهر و چه به اندازه یک دهه. چنین رفتاری نوعی احترام را ایجاد می‌کند که نابرابری‌های اجتماعی را محو نمی‌کند بلکه آن‌ها را به فضای اجتماعی نسبتاً محدود مصاحبه، کاهش می‌دهد. به همین ترتیب، ایجاد یک حضور در یک جامعه قبل از انجام و اجرای هرگونه مصاحبه، مشاوران جامعه را در طرح پروژه وارد می‌کند، توجه افراد را به تجربیات متفاوت اجتماعی و نگرش‌های گوناگون در یک جامعه واحد، معطوف می‌کند، بدانیم که اعتماد در طی زمان به وجود می‌آید هنگامی که قابلیت اعتماد ایجاد شد، می‌تواند کاملاً به ایجاد یک رابطه احترام‌آمیز بین مورخان شفاهی و جوامعی که در آن کار می‌کنند، و خنثی کردن برخی از آثار منفی نابرابری موجود، کمک کند.

وقتی مصاحبه تمام شد، به هر مصاحبه‌شونده بایستی یک رونوشت از مصاحبه و نوار کاست داده شود، همین‌طور باید یک مصاحبه جامعه‌محور را در یک مخزن عمومی قرار داد تا برای همگان قابل‌دسترس باشد. علاوه بر این، برخی از افراد که حق امتیاز برای آثاری به دست آورده‌اند، که براساس مصاحبه است آن‌ها را با راویان به اشتراک می‌گذارند و یا بخشی از آن را به گونه‌ای به کار می‌برند که جوامع و یا خانواده راویان از آن منتفع شوند. افراد دیگری هم معتقدند وظیفه آن‌ها تنها این است که سخنان راویان را بدون هیچ‌گونه دخل و تصرف و بازنمایی غیرواقعی، نشان دهند. برخی از مورخان شفاهی، ثمرات مصاحبه‌های خود را در یک فضای عمومی به اشتراک می‌گذارند، و به این ترتیب به راویان، خانواده آن‌ها، و همسایگان اجازه می‌دهند که از شنیدن داستان‌هایشان لذت ببرند، شاید آنچه را مورخان ارائه داده‌اند تصحیح کنند، شاید یاد بگیرند چگونه تجربیات افراد جامعه آن‌ها، متناسب با طیف وسیع‌تری از جامعه می‌شود. افراد دیگری هم برای ایجاد طرح‌ها و برنامه‌های عمومی، با سازمان‌های محلی - نمایشگاه‌ها، شوهای رادیویی، وبسایت‌های رو به افزایش - کار می‌کنند، تا مصاحبه‌ها را برای طیف وسیع‌تری از جامعه قابل‌دسترس سازند. همه اینها پاسخی منطقی به مسائل مربوط به تساوی حقوق (افراد دخیل) در مصاحبه است. با این حال، همان‌طور که «پورتلی» به مورخان یادآور شده است بازگرداندن آنچه آن‌ها می‌دانند، به جامعه، یا دادن صدا به مردمی که هیچ مشکلی در صحبت کردن ندارند، و دارای حسن نیت هستند، می‌تواند راهکاری برای تشویق آن‌ها باشد. او پیشنهاد می‌کند که به جای آن از مهارت‌هایی استفاده کنیم که سبب می‌شوند، دانسته‌های یک فرد در مورد راویان به گفتمان عمومی آورده شود. و صداهای راویان را تقویت کند چنان‌که تجربیات و نگرش‌هایشان برای افرادی قابل‌دسترس گردد که گفته‌های آنان را، نشنیده‌اند. بنابراین عمل مسئولانه در مورد نابرابری کمتر از دستورالعمل‌های حرفه‌ای تبعیت می‌کند، تا توازن در بحث و گفتگو، از یک طرف و درک نقش دانش اجتماعی از طرف دیگر. سپس مسئله این خواهد بود که چگونه یک نفر اطلاعاتی را که از راویان به دست

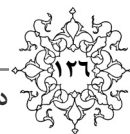


آورده است برای رسیدن به اهداف اجتماعی استفاده می‌کند.<sup>۱</sup> با این وجود، علی‌رغم داشتن اهداف عالی و بهترین تلاش‌ها، نابرابری‌ها ادامه دارد. نهایتاً چنان‌که «پاتای» هم اشاره می‌کند، در دنیای غیراخلاقی، نمی‌توانیم یک تحقیق اخلاقی حقیقی انجام دهیم.<sup>۲</sup> این در حالی است که بعضی از مورخان شفاهی معتقدند که باید از نابرابری‌های موجود برای تولید آگاهی استفاده کنند. آن‌ها نقش‌شان را به عنوان محقق و پژوهشگر حفظ کرده و روابطی را با روایان و جوامع آن‌ها برقرار می‌کنند «آندرو بی. راسل و رز تی. دایز»<sup>۳</sup> این موضوع را «مشارکت ایده‌آل»<sup>۴</sup> نامیده‌اند و چهارچوبی را ارائه می‌دهند، که بر اساس آن مورخان شفاهی «نقش حامی، واسطه، و میانجی را ایفا می‌کنند» و این چارچوب می‌تواند پل ارتباطی بین پژوهشگران، تاریخ عمومی و دنیای واقعی باشد.<sup>۵</sup> برخی به گفته «میشل فریش» درباره داشتن «قدرت مشترک» استناد کرده و بر اساس آن معتقد هستند که بایستی همراه با راوی بر کل فرآیند مصاحبه «قدرت مشترک» داشت.<sup>۶</sup> افراد دیگری هم در چارچوب پیشرفت و اقتدار جامعه عمل می‌کنند و درصدد اتخاذ یک روش اساساً دموکراتیک در تاریخ جامعه هستند. در حالی‌که این روش‌ها آثار خوبی داشته است، همه دریافت‌اند، که در اجرای هر کار «ایده‌آلی»، موانعی وجود دارد: تنش‌ها و تضادهایی که به‌وجود می‌آیند، موفقیت بستگی به شکست در ارتباطات و شکست در تکمیل کار بر اساس طرح داده شده دارد، نمونه‌های قدیمی اقتدار حرفه‌ای و احترام محلی پدیدار می‌شود. در این دنیای غیراخلاقی، می‌توانیم انتظار داشته باشیم که هیچ تفاوتی وجود ندارد و تنها می‌توان بهترین کار را انجام داد.<sup>۷</sup>

### هم‌ذات‌پنداری با راوی

بسیاری از مورخان شفاهی سعی می‌کنند که اسناد تاریخی را دموکراتیزه<sup>۸</sup> کنند و این کار را با همدری با مصاحبه‌شونده، انجام می‌دهند. آن‌ها با شناخت بی‌عدالتی و هتک حرمت‌هایی که روایان و جوامع آن‌ها تجربه کرده‌اند و حمایت از تلاش‌های روایان برای تغییر شرایط زندگی‌شان این کار را انجام می‌دهند. برخی از مورخان هم کار خود را بخشی از یک پروژه فرهنگی بزرگتر می‌دانند و تلاش می‌کنند زندگی افراد مختلف را نگهداری و ذخیره کرده و آن‌ها را در حافظه عمومی مردم جای دهند و روایان را انسان‌های مثبتی نشان دهند. اینها احساسات ارزشمندی هستند و اغلب با صمیمیتی که در جریان مصاحبه بین مصاحبه‌گر و راوی ایجاد می‌شود، پررنگ‌تر می‌شود. با این حال به قول «والری یو» آن‌ها با توجه به پیامدهایی که از این رابطه، یعنی «دوست‌داشتن بیش از حد» روایان ایجاد می‌شود، از مسیر اصلی منحرف شده و تغییر جهت می‌دهند.<sup>۹</sup> برای خاطراتی که به شدت ناراحت‌کننده و دردناک هستند، کلمات بهتری جایگزین می‌شود، زیرا مصاحبه‌گر نمی‌تواند داستانی را که راوی بازگو می‌کند، تحمل کند. سرنخ‌ها و نشانه‌هایی که دیدگاه مثبت مصاحبه‌گر را متزلزل میکند، از طرف مصاحبه‌گر نادیده گرفته می‌شود. به دلیل اختلافاتی که

1. Portelli, "Trying to Gather," 67-71
2. Patai, "U. S. Academics," 150.
3. Rose T. Diaz and Andrew B. Russel
4. Cooperative ideal
5. Yow, "Do I Like Them", 6.6
6. Frisch, SAhared Authority, xxii.
- 7.6 Frisch, SAhared Authority, xxii.
- 8.7 Patai, "U. S. Academics," 150; Diaz and Russell, "Oral Historians," 214; Frisch, SAhared Authority, xxii.
9. Democratize
10. Yow, "Do I Like Them",



ممکن است به وجود آید و یا به دلیل اجتناب از یک گفتگوی غیر دوستانه، سؤالات مشکل، پرسیده نمی‌شود.

«کلز» با توجه به مصاحبه‌ها و کارهایی که در مورد خانواده‌های سفیدپوست و سیاه‌پوست در جنوب امریکا، و مطالعاتی که در مورد اثر لغو تبعیض نژادی بر بچه‌ها انجام داد، با صداقت کامل توضیح می‌دهد که چگونه این «دوست‌داشتن زیاد»، بر کارهای خود او تأثیرگذار بوده است: در خانه‌های سیاه‌پوستان، آنچه در مورد مهمان‌نوازی، سخاوت، ملایمت، نشاط، تواضع، معنویت آن‌ها گفته می‌شد، یافتیم و دریافتیم که مجموعه‌ای از همه این روحیات در بسیاری از خانواده‌ها وجود دارد. اما درحالی‌که در خانواده‌های دیگری از سیاه‌پوستان یک نوع بی‌اعتمادی سرد و کج‌خلقی، و حتی یک رفتار کاملاً غیردوستانه حکمفرما بود، تلاش کردم که به شیوه خود آن‌ها را درک کنم، اما برای دیگران بیان نکنم و بارها و بارها تحسین بی‌دریغ خود را نسبت به شجاعت آشکاری که هر یک از بچه‌های سیاه‌پوستی که آن‌ها را دیده بودم، بیان کردم.

من نمی‌گویم که از اشاره به صفات نامطلوبی که در برخی خانواده‌ها رایج بود، خودداری کردم. بلکه بر روی صفات و جنبه‌های مثبتی که در برخی دیگر از خانواده‌ها دیده بودم و آن‌ها را دوست داشتم، تأکید بیشتری کردم، تا حدی که نوشته توصیفی من، هم در مجلات تخصصی و هم در مجلات عمومی، تا حد زیادی بر اساس نوشته‌هایی بود، که از کار و مصاحبه با بچه‌های چنین خانواده‌هایی برداشتم. در حمایت و پررنگ جلوه‌دادن جنبه‌های مثبتی که با آن مواجه شده بودم، مشکلاتی را که با آن مواجه بودم هر چه بی‌اهمیت‌تر جلوه می‌دادم.

در مصاحبه با سفیدپوستان، من به مراتب مشکل کمتری داشتم. سفیدپوستانی که فرزندان‌شان اولین کسانی بودند که در مدارس دوزخ‌آلودی در کنار همکلاسی‌های سیاه‌پوست حاضر شده بودند. می‌توانستم در کنار این خانواده‌ها ناظر مستمری بر رفتارهای آنان باشم، به‌خصوص وقتی که سخنان تند و زنده‌ای از آنان می‌شنیدم که به سیاه‌پوستان دیگر نسبت می‌دادند. ولی وقتی چنین سخنان تندی را می‌شنیدم که از طرف سیاه‌پوستان به سیاه‌پوستان نسبت داده می‌شد و بعضی وقت‌ها این افراد اعضای یک خانواده بودند، تنها می‌توانستم سرم را برگردانم، یا سرم را با ناراحتی پایین بیاورم و درمی‌یافتم که در میان پاسخ‌گویان سفیدپوستم چنین احساسی نداشتم.<sup>۱</sup>

«کلز»<sup>۲</sup> در ادامه توضیحاتش می‌گوید، در واقع هم‌مدردی‌های او، شیوه‌ای را شکل داده بود که او مسئله تحقیقی خود را در اولین جا مشخص کند و آن شیوهٔ مقابله و مواجهه بچه‌های سفیدپوست و سیاه‌پوست بر استرس‌های خود را در مدارس دوزخ‌آلود بود. تعریف مسئله به این صورت، سبب ایجاد یک «روش پژوهشی» شد، که تمرکز آن بر انواع خاصی از «شاهد» بود که انزجار شخصی «کلز» از نژادپرستی و نگرانی او درباره قربانیان آن را تأیید می‌کرد.<sup>۳</sup> ارزش‌های موردنظر یک پژوهشگر همیشه به کارش شکل و جهت می‌دهد، این حق راوی که

1. Coles, Doing Documentary Work, 57-58

2. Coles

۳. همان منبع، ص ۵۹-۵۷.



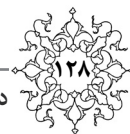
چیزی را «بسیار دوست داشته باشد» حقیقتی است که همواره نگرش مصاحبه‌کننده را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. با این حال، برای مورخان و افراد دیگری که در کار مستندسازی هستند، یک مسئله اخلاقی وجود دارد و آن این است که از یک طرف مردمی را که با آن‌ها مصاحبه می‌کنند در نظر بگیرند و از طرف دیگر برای گفتن حقیقت تمام اصول اخلاقی لازم را رعایت کنند، و تنها به‌گفتن وقایع مهم اکتفا نکرده و یا برخی از جنبه‌های آن را به‌واسطه نگرش مثبت خود به مخاطب القا نکنند، بلکه باید تمام داستان را بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی بیان کنند، حتی اگر شاهدهی در آن باشد که سبب تضعیف حس همدردی افراد با راوی شود. برای رسیدن به این هدف مصاحبه‌گر یا نویسنده باید روی تردیدها، تناقضات، و لحظات سکوتی که در روایت وجود دارد دقت کند، سؤالات مشکل‌تری مطرح کند هم‌چنین در برابر تمایزش برای خلق قهرمانان تک‌بعدی که معمولاً در میان مصاحبه‌شوندگان وجود ندارند مقاومت کند.

دوباره باید گفت که دستورالعمل‌های ارزشیابی، یک اصل کلی اخلاقی را مطرح می‌کند و آن این است که «تاریخ‌شفاهی بایستی بر اساس و بر مبنای پرسش‌های مهم انجام شود». هم‌چنین مورخان شفاهی مسئولیت دارند که برای انجام کار از بالاترین استانداردهای حرفه‌ای برای انجام کارشان استفاده کنند و برای رسیدن به این هدف بایستی استانداردهای مربوط به شاخه‌ها و رشته‌های حرفه‌ای را که در کارشان پذیرفته‌اند تقویت کرده و تلاش کنند که گفتگوهای آموزنده‌ای را که می‌توان اطلاعات مفیدی را از آن‌ها به‌دست آورد از طریق پرسش‌های هوشمندانه و چالش‌برانگیز، انجام دهند.<sup>۱</sup> چالش دیگری که در اینجا وجود دارد این است که این اصول را در موقعیت‌های واقعی به‌کار گیرند. برای مثال با سؤالات بی‌موقع یا خالی از احساس تفاهم بین دو طرف مصاحبه می‌تواند خدشه‌دار شده، و از بین برود. «یو» پیشنهاد می‌کند یکی از شیوه‌های هم‌ذات‌پنداری با راوی، این است که هنگام مصاحبه، نوعی انعطاف‌پذیری نقادانه وجود داشته باشد، که عکس‌العمل‌های احساسی مصاحبه‌گر را به راوی نشان داده، علایق مصاحبه‌شونده را، به چالش بکشد، به این ترتیب مصاحبه‌گر به پرسش‌های دیگری فکر می‌کند تا خطوط و مسیرهای جایگزینی برای پژوهش ایجاد شود.<sup>۲</sup> هم‌چنین مسئله مهم دیگر این است که کسی که با یک راوی مصاحبه می‌کند برای یافتن نقاط مورد اختلاف این کار را انجام می‌دهد در غیر این صورت دلیلی برای مصاحبه نیست. این اختلاف در درگیری‌هایی که ممکن است در مصاحبه پیش آید مانند یک وزنه تعادل عمل کرده و فاصله مصاحبه‌گر و راوی را حفظ می‌کند و فاصله اجتماعی را ایجاد می‌کند که سبب می‌شود مصاحبه‌گر ابتدا راوی را ارزیابی کند و سپس از او سؤال کند. اینکه دقیقاً چگونه و تا چه اندازه فرد چنین کاری را در یک مصاحبه انجام می‌دهد، مانند بیشتر چیزهای دیگری که در تاریخ‌شفاهی انجام می‌شود، یک نوع داوری است، چیزی است که وابسته به اهداف و شرایط خاص پروژه است، شاید، به همان اندازه بر اساس خلق‌وخو و مزاج مصاحبه‌شونده و راوی

۱. «دستورالعمل‌های ارزشیابی» انجمن

تاریخ‌شفاهی، ص. ۴.

2. Yow, "Do I Like Them," 79



نیز باشد. در آخر وقتی که موضوعات مورد نظر را با راویان بالقوه مورد بحث قرار می‌دهیم و مصاحبه را برای آن‌ها به عنوان یک تبادل نقادانه معرفی می‌کنیم، راوی را از جدی بودن این پژوهش آگاه می‌سازیم، همچنین راه را برای آنچه که در دستورالعمل‌های ارزشیابی با عنوان «پژوهش نقادانه» آمده، هموار می‌کنیم.<sup>۱</sup>

### حرکت تاریخ شفاهی و اصول اخلاقی به سوی پیچیدگی تفسیری

همان‌گونه که تاریخ در طی دهه ۱۹۸۰ تکامل یافت، پژوهشگران بیش از پیش آگاه شدند که یک مصاحبه یک سند شفاف نیست که «حقایق» تازه‌ای را درباره گذشته به ما انتقال دهد و ما آن را ارزشیابی کرده و به آسانی صحت و سقم آن را مشخص کنیم. مصاحبه بازگویی یک روایت است، محصولی از حافظه، ایدئولوژی، زبان و تعامل اجتماعی بین مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌گر، که بایستی مانند یک متن مورد تفسیر قرار گیرد. مسلماً تأثیر مطالعات اجتماعی بر روی مطالعات دانشگاهی در طی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تا اندازه‌ای سبب رشد ذهنیت‌گرایی ذاتی روایت‌های شفاهی شد. چیزی که دارای چنین اهمیتی در میان مورخان شفاهی بود، نظریه‌هایی بود که در «ژورنال بین‌المللی تاریخ شفاهی»<sup>۲</sup> آمده بود این ژورنال از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ چاپ می‌شد، که شامل مقالاتی درباره ماهیت مدارک و شواهد شفاهی بود. شاید مهم‌ترین و تنها اثر در تاریخ شفاهی که بر اساس روش متنی انجام شده است مقاله پورتلی است که اغلب به آن استناد می‌شود مقاله «مرگ لوییجی ترانستولی: خاطره و واقعه»<sup>۳</sup> است، وی در این مقاله نوشته است: اشتباهات، اختراعات، و افسانه‌ها [در روایت‌های شفاهی] ما را به سوی حقایق و فراتر از آن‌ها به سوی معنای آن‌ها سوق می‌دهد. آن‌ها سبب می‌شوند که ما علایق راویان را بشناسیم و از این طریق به رویاها و خواسته‌های آنان پی ببریم»<sup>۴</sup>. بنابراین، آثار مورخان شفاهی و افراد دیگری که از مصاحبه‌ها برای کارهای پژوهشی استفاده می‌کنند، تبدیل به یک کار تفسیری می‌شود، که از روایت‌های اصلی دور شده و بر اساس تفسیر روایت‌ها نوشته می‌شود. این موضوع، سبب ایجاد نگرانی‌هایی درباره ارائه روایت‌هایی می‌شود که دارای مفاهیم و مسائل اخلاقی فراوانی هستند، در اینجا من به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌کنم: مخاطب آثار تاریخ شفاهی و مسائلی درباره اقتدار تفسیری.

۱. «دستورالعمل‌های ارزشیابی» انجمن

تاریخ شفاهی، ص ۴-۶.

2. International Journal of Oral History

3. The death of Luigi Transtulli: memory and Event

4. Portelli, "Death of Luigi Trastulli," 2.

### مخاطب

روایت‌های تاریخ شفاهی می‌توانند با استفاده از بسیاری از رسانه‌ها ارائه شوند - کتاب، فیلم و ویدئو، رادیو، نمایشگاه، نشان دادن آن‌ها به صورت تئاتر و یا با استفاده از رسانه‌های نو مانند وبسایت‌ها. رسانه هرچه که باشد، نویسنده بایستی تصمیم بگیرد که چگونه روایت را در متن رسانه ساختار بندی کند. به عنوان مثال، یک کتاب می‌تواند به شکل یک بیوگرافی شفاهی با کمترین اظهار عقیده از

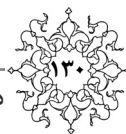


طرف نویسنده یا مصاحبه‌کننده باشد، می‌تواند نقل قول‌های مصاحبه‌شوندگان را در کنار سایر منابع بیاورد، یا بخشی از منابع گسترده‌تری باشد که توسط نویسنده مطرح شده. به همین ترتیب، یک فیلم می‌تواند، تنها براساس شهادت‌های شفاهی ساخته شود، یا می‌تواند گواهی‌های شفاهی را کم و بیش با گفته‌های علمی و عالمانه ترکیب کند. روش اتخاذ شده بستگی به هدف نویسنده از خلق اثر دارد، در اینجا قصد نداریم که درباره ارجحیت یک فرد بر فرد دیگر یا در مورد امتیاز یکی از روش‌های ارائه تاریخ شفاهی بحث کنیم.

رسانه هر چه که باشد، به خصوص اگر منابع چاپی یا کتاب باشد هدف از ارائه متن مصاحبه، نتیجه‌گیری از آن است و خود اثر کمتر در دسترس کاربران قرار می‌گیرد که شخص با آن‌ها مصاحبه و درباره آن‌ها نوشته است، این موضوع به‌خصوص در آثار چاپی، که مورخان شفاهی یک شیوه‌کاری تئوریک را دنبال می‌کنند، بیشتر است. در حالی که در دستورالعمل‌های ارزشیابی بر قابل‌دسترس ساختن مصاحبه‌ها تأکید می‌شود، در این دستورالعمل‌ها همچنین پیشنهاد شده است که «تمام آثاری که براساس [مواد تاریخ شفاهی] ساخته می‌شوند برای جامعه‌ای که در خلق آن‌ها سهیم بوده، قابل‌دسترس باشند»<sup>۱</sup>. در واقع، استفاده از یک قالب فرهنگی آکادمیک برای نشان دادن زندگی مردم، مناسب نیست و با آن تجانس ندارد، وقتی که فردی از طریق ارتباط رودررو با افراد درباره آن زندگی آن‌ها مطالبی جمع‌آوری می‌کند انتظار می‌رود که آن افراد آنچه را که درباره آن‌ها گفته شده است بخوانند. این عدم تجانس ریشه در شناخت ارزش تاریخ شفاهی برای مردمی کردن مخاطبان تاریخ و کار تاریخی دارد. بسیاری از افراد تاریخ رسمی و دانشگاهی را کاری خسته‌کننده می‌دانند و آن را رد می‌کنند و تنها داستان‌های شخصی درباره گذشته را می‌پذیرند. آثار تاریخ شفاهی می‌تواند ابزاری برای حل این تناقض بوده، توجه خواننده (شنونده یا بیننده) را به یک داستان خوب جلب کند، سبب ایجاد حس همدردی یا علاقه شود، و چشم خواننده/ شنونده و بیننده را بر روی تجربیاتی بگشاید که با تجربیات خود او کاملاً متفاوت است، یا افراد کمک کند که رابطه بین تجربه شخصی و زندگی اجتماعی را درک کنند، و در میان صداهای متفاوت و ناموزون نوعی پیوستگی عمیق و زیربنایی ایجاد کند. به عبارت دیگر به مخاطب کمک می‌کند مانند یک مورخ فکر کند.

هدف این نیست که مبانی نظری و تئوریک را کنار بگذاریم، زیرا استفاده از مبانی نظری کار مورخان شفاهی را بسیار پربارتر می‌کند. حتی یک مصاحبه معمولی، که در آن مصاحبه‌ها بدون توضیحات اضافه بیان می‌شود، باز هم یک زیر لایه تئوریک دارد و آن اهمیت دادن به داستان‌گویی است. در واقع، برخی مورخان شفاهی، که اعتقادی به دسترسی همگانی به آثار ندارند، آثاری ارائه می‌دهند که دارای سطح بالایی از تفاسیر علمی بوده و برای مخاطبان دانشگاهی مناسب است. برخی از پژوهشگران هم معتقدند که مصاحبه‌ها نایستی تفسیر شود و هدف آن‌ها این است که

۱. «دستورالعمل‌های ارزشیابی» انجمن تاریخ شفاهی، ص ۱۰.



آن‌ها را در دسترس همگان قرار دهند، و مصاحبه‌ها را به گونه‌ای ارائه کنند که برای خواننده/ بیننده/ شنونده قابل فهم باشد تا آنچه را که می‌خواهد براساس آن بسازد. افراد دیگری هم هستند که با توجه به شناختی که از مخاطبان و تفاوت‌های آن‌ها دارند، کارشان را با استفاده از رسانه‌های متفاوت ارائه کنند و یا با توجه به تفاوت زبان مخاطبان اثرشان را به زبان‌های مختلف ارائه می‌کنند. کسانی دیگری هم هستند که تمایلی به جداکردن مصاحبه‌ها از ارزیابی‌های تئوریک ندارند، و به این نتیجه رسیده‌اند که مخاطبان ایده‌های پیچیده را، چنانچه با یک زبان یکسان بیان شوند، بهتر درک می‌کنند و بنابراین دو روش را باهم ادغام می‌کنند. این مورد اخیر شاید خلاقانه‌ترین کار در تاریخ شفاهی باشد، زیرا از روش‌های جدیدی مانند، روایت‌های جایگزین و فصل‌های تحلیلی در یک کتاب استفاده می‌کند یا از نمونه‌های ملموسی که در مصاحبه‌ها گفته شده، نظریه‌ها و تئوری‌هایی استخراج می‌کند یا از صدای نویسنده و صدای راوی به طور یکسان استفاده می‌کند و این دو را با هم ترکیب می‌کند. شاید این محترمانه‌ترین کار نسبت به مخاطبان باشد، زیرا خواسته‌های خواننده/ بیننده/ شنونده را برای داستان‌ها و درک معنای آن‌ها می‌شناسد.<sup>۱</sup>

### اقتدار تفسیری

همان‌طور که تاریخ شفاهی از نظر تئوریک پیشرفت می‌کند، کسانی که مصاحبه‌ها را اجرا می‌کنند و یا کسانی که از مصاحبه‌ها استفاده می‌کنند، درصدد اثبات روایت‌ها، به عنوان مستندات اجتماعی هستند، مستندات می‌دهند که نه تنها خلاقیت شخصی راوی، بلکه موقعیت تاریخی خاص او و ارتباطش با مصاحبه‌شونده، یعنی کسی که به نمایندگی از یک موقعیت اجتماعی خاص، در مصاحبه شرکت کرده است، را نشان می‌دهد. در نتیجه، کسانی که به مصاحبه‌ها به‌عنوان یک کار خلاقانه می‌نگرند، کمتر تمایل دارند که به راویان اجازه دهند به سادگی آنچه را که می‌خواهند بگویند، آن‌ها نیز مدعی این هستند که مفسر متن مصاحبه هستند. این ادعا سبب ایجاد مسائلی می‌شود که مربوط به اصول اخلاقی در مصاحبه است: صدای چه کسی در چنین کاری مهم‌تر است، راوی یا مجری مصاحبه؟ در کجا می‌توان به یک تعادل در اقتدار تفسیری رسید؟

در حالی که، اگر راوی و مجری مصاحبه در مورد موضوع موردگفتگو دیدگاه مشترکی دارند، این سؤالات در پس‌زمینه باقی می‌مانند، ولی وقتی که دیدگاه‌های آن‌ها متضاد باشد، این سؤالات مطرح می‌شوند. برای مثال، وقتی نویسنده با راوی در یک موضوع موافق نیست و یا هنگامی که درک نویسنده از موضوع با درک و استنباط راوی متفاوت است چه کاری انجام می‌دهد؟ یا هنگامی که نویسنده به این نتیجه می‌رسد که راوی، در واقع، به‌طور عمد یا به‌طور غیرعمد، اشتباه می‌کند؟ هنگامی که «کارن فیلدز»<sup>۲</sup> با مادربرگش «مامی گاروین فیلدز»<sup>۳</sup> (۱۹۸۷-۱۸۸۸)، کار می‌کرد تا خاطرات شفاهی او را بنویسد و بعدها این خاطرات را در کتابی با عنوان «باتلاق لیمو و جاهای دیگر»<sup>۴</sup> نوشت، مکرراً با این

1. Hall , like a famil
2. Karen Fields
3. Mami Garvin Fields
4. lemon swamp and other places

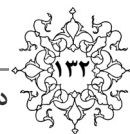




مسائل روبرو می‌شد، کتابی که زندگی خانم «فیلدز» پیر را به‌عنوان فردی تحصیلکرده از طبقه متوسط زنان سیاه‌پوست «چارلستون»، «کارولینای جنوبی»، در سال‌های متمادی در قرن بیستم توصیف می‌کرد. گاهی مامی فیلدز، در بعضی قسمت‌های داستانش، جزئیات محلی را می‌آورد، که به‌نظر کارن فیلدز برای خوانندگان خارج از چارلستون خسته‌کننده بود. در بسیاری از مواقع، برای «مامی فیلدز»، نژاد و رنگ پوست، مسائلی بودند که حضور پیوسته داشتند، ولی موضوع مهم و اصلی در زندگی او نبودند و از کارن فیلدز برای اینکه این موضوعات را مهم می‌دانست و ذهن او را اشغال می‌کرد و سبب ناراحتی او می‌شد، انتقاد می‌کرد. کارن فیلدز مانند اکثر نویسندگان هنگام مقابله با چنین مشکلاتی تلاش می‌کرد مصالحه برقرار کند ولی برای ایجاد این شرایط باز هم با مادر بزرگش درگیر می‌شد.<sup>۱</sup> «سندی پولیشاک»<sup>۲</sup> که یک بیوگرافی شفاهی از فعال کارگری به نام «جولیا روتیلا»<sup>۳</sup> براساس مصاحبه‌اش با او در سال‌های قبل نوشته است، فهمید که «جولیا» بسیاری از اتفاقات گذشته زندگی‌اش را تحریف کرده و به درستی بیان نکرده است، من جمله هویت نژادی، مسائل دیگری از زندگی‌اش را به‌طور روشن بیان نکرده، و در مورد نقش خود را در وقایع سیاسی مختلف، غلو کرده است. از آنجا که «جولیا روتیلا» در همان سال‌های مصاحبه از دنیا رفت، پولیشاک، نتوانست در مورد تفاوت بین گفته‌های او و گزارشات موجود، توضیحی از او بخواهد، بنابراین، این موضوعات را به خوانندگان انتقال داد و نهایتاً، اجازه داد که بسیاری از قسمت‌های مصاحبه در کار تمام شده باقی بمانند با گفتن این جمله که بایستی که به جولیا اجازه داده می‌شد برای خودش صحبت کند، اما در همان زمان من ناچار بودم آنچه را که می‌دانستم و به آن معتقد بودم، بگویم».<sup>۴</sup>

سوالات مربوط به اقتدار تفسیری - یا چه کسی چه چیزی می‌گوید - در پروژه‌های اجتماعی و تاریخ عمومی بحث‌برانگیز هستند و این زمانی است که افراد سهم ادعاهایی نسبت به پروژه دارند: افرادی که موضوع پروژه تاریخ شفاهی هستند، می‌خواهند که نگرش مثبتی از خودشان ایجاد کنند، مجریان کار می‌خواهند که استانداردهای حرفه‌ای را رعایت کنند و روش فکری خاصی را دنبال کنند، مخاطبان یک داستان خوب می‌خواهند. «باربارا فرانکو»<sup>۵</sup> نقش این عوامل را در ایجاد یک نمایشگاه درباره جامعه سرخپوستی «وینباگو»<sup>۶</sup> در انجمن تاریخ مینه‌سوتا توضیح می‌دهد، شیوه‌ای که چگونگی انجام بسیاری از پروژه‌های تاریخ شفاهی جامعه‌محور را نشان داد: مسئولان تیم برگزارکننده نمایشگاه می‌خواستند که تاریخ وینباگو در مینه‌سوتا را به‌صورت یک مطالعه موردی که تمرکزش بر جامعه سرخپوستی شهرنشین - بدون حق داشتن زمین است - نشان دهند. با این حال، هیئت‌مدیره [مشاوره] وینباگو بیشتر علاقه‌مند به پیوند دادن جامعه کنونی «وینباگو» با زندگی سنتی «وینباگو» بودند و علاقه‌مند به آموزش تاریخ اولیه «وینباگو» و ارتباط طولانی آن با «مینه‌سوتا» به افرادی بودند که در جوامع دیگر بودند. مسائل زندگی معاصر شهری، بیش از حد بودند و محدودیت نداشتند». در جریان برنامه‌ریزی، موزه‌داران،

1. Fields, with Fields, Lemon Swamp; Fields, "Cannot Remember Mistakenly," 93, 98-99
2. Sandy Polishuk
3. Julia Rutilla
4. Polishuk, Sticking to the Union, 13.
5. Barbara Franco
6. Winnebago



احترامی برای همکارانشان در «وینباگو» قائل نبوده و علاقه‌ای به ایجاد ارتباط با آنها نداشتند. «فرانکو» ادامه داد «نمایشگاهی که ایجاد شد، آن‌طور که باید برای بازدیدکنندگان آن‌طور که باید و شاید جالب نبود. از روش‌های سنتی استفاده شده بود و بازدیدکنندگان را با موضوعات معاصر در فرهنگ «وینباگو»، مانند تضادی که بین شهرنشینی و مذهب‌سنتی وجود داشت آشنا نمی‌کرد». او نتیجه‌گیری می‌کند که «در جریان پیشرفت نمایشگاه، دو دسته از اصول اخلاقی وجود داشت- اصول اخلاقی مردم و اصول اخلاقی مورخ»، یا به عبارت دیگر، اصول اخلاقی حاکم بر روایت و اصول اخلاقی حاکم بر تفسیر.<sup>۱</sup>

برای کسانی که می‌خواهند مصاحبه‌ها را به روشی بیاورند که هم اقتدار خود و هم اقتدار راوی در آن حفظ شود، بهتر است که گفتگو را، حد وسط بین آنچه «فریش» آن را روش «ضدتاریخ»<sup>۲</sup> در تاریخ شفاهی می‌نامد، (یعنی توجه به تاریخ شفاهی به خاطر بی‌واسطگی و القائات هیجانی‌اش، به مثابه چیزی فراتر از تفسیر یا پاسخ‌گویی، همچون پنجره‌ای که مستقیماً رو به احساسات و ... رو به معنای تجارب گذشته باز می‌شود). آنچه «فریش» آن را روش «تاریخ بیشتر»<sup>۳</sup> می‌نامد (تاریخ شفاهی که مصاحبه را «مواد خام» تلقی می‌کند و «آن را تا سطح شواهد و مدارک دیگری که باید درون آسیاب نظارتی مورخ انداخته شود، پایین می‌آورد) در نظر بگیرند.<sup>۴</sup> چالش مهم در اینجا برقراری تعادل مناسب است. در دستورالعمل‌های ارزشیابی، مهم‌ترین اصل برای کسی که در صد انجام کار تاریخ شفاهی است، اینگونه است: کاربران مسئولیت دارند که تمام صدای مصاحبه‌شونده را حفظ کنند، نه سخنان مصاحبه‌شونده را بد نشان دهند و نه آن‌ها را به خارج از متن ببرند.<sup>۵</sup> با این‌حال، همان‌طور که سئوالات مخاطبان سبب سوق‌دادن مورخان شفاهی به سوی اشکال جدید در ارائه کارشان می‌شود، اقتدار تفسیری نیز سبب حل اختلافات و تنش‌های بین دیدگاه‌های مختلف در یک مصاحبه می‌شود. «کاترین بورلند»<sup>۶</sup> می‌گوید: «گفتگویی را که آغاز کرده‌ایم ادامه می‌دهیم، در حالی که روایت‌های شفاهی را برای مرحله آخر تفسیر جمع می‌کنیم و «روایت‌های چندلایه‌ای را نشان می‌دهیم، که در آن‌ها تضاد تفسیری بین مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌گر، (موضوع و نویسنده، مستقیماً، بدون یک راه حل معتبر نشان داده شود.<sup>۷</sup> «کاترین فوسل»<sup>۸</sup> در بیوگرافی «آن برادن»<sup>۹</sup>، کلماتی را که «برادن» گفته بود با خط ایتالیک نشان می‌دهد، تا بنابه گفته او «صدای راوی را به‌طور واضح از صدای خود جدا کنم، [ به منظور اینکه ] در تفسیر دست من باز باشد و نشان دهم قدرت بیشتری از «برادن» دارم و او احساس کند تحت فشار قرار گرفته، مخصوصاً زمانی که نگرش ما درباره زندگی او با یکدیگر متفاوت است».<sup>۱۰</sup> «آلیسیا رو ورول»<sup>۱۱</sup> با این دیدگاه که مصاحبه‌شونده‌ها می‌توانند بیش از «یک پنجره مستقیم» بر روی احساسات باز کنند، در مصاحبه با «لیندا لرد»<sup>۱۲</sup> کارگر مرغداری «پولتری»<sup>۱۳</sup> سئوالات تحلیلی صریحی پرسید. او همچنین درباره محدودکردن خواسته‌هایش برای اینکه بتواند کنترل تحلیلی بر مصاحبه‌اش داشته باشد، از تسلیم‌شدن به متن و از تلاش‌هایش

1. Franco, "Doing History in Public," 8. Franco, "Raising the Issues."

2. anti history

3. more history

4. Frisch, Shared Authority, 160

۵. «دستورالعمل‌های ارزشیابی»، انجمن

تاریخ شفاهی، ص ۶.

6. Katherine Borland

7. Borland, "Not What I Said,"

73

8. Catherine Fosl

9. Anne Braden

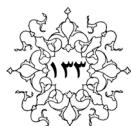
10. Fosl, "When Subjects Talk

Back," 7.

11. Alicia Roaverol

12. Linda Lord

13. Maine Poultry



برای ممانعت از تحمیل یک ارتباط غلط در دیدگاه‌های متناقض لرد در بسیاری از موضوعات می‌نویسد.<sup>۱</sup> با استفاده از این روش‌ها و روش‌های دیگر، مورخان شفاهی در صدد ارائه گفتگوهایی هستند که در قالب تاریخ شفاهی قرار دارند و محصول این گفتگو، کار مشترکی از مصاحبه‌کننده و راوی است.

### نتیجه‌گیری

در کار تاریخ شفاهی ملاحظات قانونی و اخلاقی، تأثیر فراوانی دارد، از اولین تماسی که با راوی گرفته می‌شود تا آخرین مرحله که انجام مصاحبه است. ملاحظات قانونی و اخلاقی، یکی از عوامل مهم در انجام مصاحبه‌های تاریخ شفاهی است، زیرا تاریخ شفاهی اساساً بر پایه روابط بین دو فرد است، و مانند تمام روابط دیگر، بر اساس قوانین، هنجارها، و استانداردهای رفتاری ساخته می‌شود. این رابطه، رابطه‌ای است که از مرزهای خصوصی دو فرد فراتر می‌رود و دیگران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد-افراد و جوامعی که در یک مصاحبه در مورد آن‌ها بحث و گفتگو می‌شود، کاربران مصاحبه، مخاطبانی که برای پژوهش به تاریخ شفاهی وابسته‌اند- همه این افراد وارد شبکه‌ای از ارتباطات می‌شوند که با استانداردهای اخلاقی و قانونی تاریخ شفاهی کنترل می‌شود. ساختار قانونی تاریخ شفاهی صریح و روشن است- قانون در برخی موارد مجوز می‌دهد، و در برخی دیگر مجوز نمی‌دهد- برای حل مسائل اخلاقی که بعضی وقت‌ها در یک متن قانونی به وجود آید، بیشتر ذهنی هستند، و برای حل آن‌ها بایستی بین طراحان پروژه و مصاحبه‌شوندگان قضاوت کرد. هم طراحان پروژه و هم مصاحبه‌شوندگان بخشی از ساختار اجتماع هستند، که در شرایط تاریخی خاص به این کار دست می‌زنند. بنابراین، این افراد ثابت نیستند. بنابراین این مقاله، آخرین حرف در این زمینه نیست.

1. Chatterley, Rouverol, and Cole, "I Was Content," 124

